



چهاردهمین سالگشت ۱۹ بهمن
ششمین سالگشت ۲۲ بهمن

شکندره و کشتار میهن پرستان

در جمهوری اسلامی



فهرست مطالب

- ۴..... ارتجاع حاکم دشمن خونخوار آزادی
- ۶..... در شکنجه‌گاه‌های جمهوری اسلامی
- ۷..... فراخوان و برنامه
- در جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی تحت وحشیانه‌ترین
۱۴..... شکنجه‌های جسمی و روانی هستند
- در جمهوری اسلامی هزاران زندانی سیاسی تا کنون بدون
۱۶..... محاکمه اعدام شده‌اند
- زندانیان سیاسی از ملاقات نزدیکان خود محرومند
۱۸.....
- رژیم برای آزار زندانیان سیاسی از تامین بهداشت و
درمان و غذای کافی برای آنها خوداری می‌کند
۱۹.....
- از جنایات رژیم در زندان اوین
۲۱.....
- اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان در مورد شهادت قهرمانانه
رفیق مرتضی میثمی و رفیق منصور پورجم
۲۵.....
- گرامی باد خاطره شهدای توده‌ای
۳۲.....
- کشتار زندانیان سرشناس سیاسی رژیم شاه
در جمهوری اسلامی ایران
۳۴.....
- خانواده‌های زندانیان سیاسی، نیرویی موثر علیه ارتجاع
۴۴.....
- اعلام همبستگی جهانیان با زندانیان سیاسی
و مبارزین انقلابی ایران
۴۸.....

"حکام مرتجع جمهوری اسلامی همچنان به سرکوب خونین نیروهای مترقی کشور و پایمال کردن همه حقوق و آزادیهای دمکراتیک، فردی و اجتماعی مردم، شکنجه و کشتار بیسابقه و گروهی زندانیان سیاسی ایران و جوانان آزاده کشور و به تجاوزگستاخانه به حریم زندگی خصوصی مردم ادامه می‌دهند... سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) افشای جنایات رژیم علیه آزادی و دموکراسی در کشور را وظیفه مبرم خود اعلام می‌کند و دیگر نیروهای خلقی را به مبارزه مشترک در این راه فرا می‌خواند."

از قطعنامه پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان
"درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده‌یی و وظایف ما"

ارتجاع حاکم، دشمن خونخوار آزادی

ترور و اختناق بر میهن ما حکمفرماست، میلیونها هموطن در رنج ما محروم از ابتدایی ترین حقوق فردی و اجتماعی زندگی دشواری را می گذرانند. ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای مردم توسط حاکمیت اسلامی لگدمال شده است. ارگانهای گوناگون سرکوب و تفتیشی، اعدامهای جمعی و مخفیانه، بیدادگاههای فرمایشی، شکنجه و کشتار و افزایش سرسام آور تعداد زندانها و سیاهچالها، نمودار ابعاد جنایات و وحشیگری جانینانی است که امروزه میهن ما را مورد تاخت و تاز خود قرار داده اند. تمام احزاب و سازمانهای سیاسی ترقیخواه و حشیانه مورد یورش قرار گرفته اند و بسیاری از مبارزین از صفوف آنها ربوده شده، اعدام گردیده اند و یا در سیاهچالها و فرا موشخانه های رنگارنگ اسیرند. همه انجمنهای صنفی و سیاسی و ملی و دموکراتیک غیر قانونی شده اند، روزنامه های مترقی و انقلابی، همه یکی پس از دیگری تعطیل گردیده اند. و تنها ورق پاره های رسمی و نیمه رسمی حکومتی حق انتشار دارند. این روزنامه ها که در خدمت سیاستمدارهای ضد مردمی رژیم اند، در انتشار مطالب انتقادی و اعتراض و یا طرح خواستهای مردم با موانع جدی مواجهند. حق انتشار ذره ای از جنایتهای بیشمار حکومتیان بر علیه مردم را ندارند. و به تحمیق توده ها و انتشار لاطاللات مشغولند. دیوسانسور بر مطبوعات کشور، بر کتب و نشریات، بر رادیو و تلویزیون، سینما و تئاتر و... حاکم است و هیچ کتاب علمی و اجتماعی، هنری و فرهنگی از تیغ سانسور مصون نیست. کتب منتشر شده در سال گذشته تماما به لاطاللات قرون وسطایی و ضد علمی اختصاص داشته است و به جای شکوفایی علم و فرهنگ در خدمت ارتجاع برای تخریب فرهنگ ملی، هنر مردمی و آموزش اندیشه های متحجر بوده است. در عوض همه آثار و نشریات و کتبی که پس از انقلاب توسط نیروها، سازمانها و احزاب انقلابی و مترقی انتشار یافته است یا سوزانده شده

و با عنوان کتب "ضاله" از بازار کتاب خارج شده است .
اقدامات قرون وسطایی ارتجاع حاکم در تعقیب ، دستگیری و شکنجه
وزندان و اعدام صاحبان هرگونه اندیشه ترقیخواهانه ، کوس رسوایی
آنرا بر سر هر بامی به صدا در آورده است . رژیم دشمن خونیی آزادی و
دموکراسی است و این از سرشت اندیشه ارتجاعی سردمداران رژیم
نشئت میگیرد . حیلها و سیاهکاریهای رژیم در انتخابات مجلس
دوم که کوشیدنیروهای انقلابی ، مبارزومیهن پرست ، همه افراد صادق
و هرکسی که به هر کیفیتی با جنایات آنها مخالف بود را از شرکت در آن
مانع شود ، نشانه ای از استبداد مذهبی حاکم بر جامعه و مردم میهن
ماست .

تحمیل فکر و عقیده ، سبک زندگی و نوع لباس و کوشش حکام جمهوری
اسلامی برای تعمیم عقاید و رسومات خشک مذهبی به حیات اجتماعی .
ابتدایی ترین حقوق فردی و اجتماعی را از مردم میهن ما سلب کرده
است . آبرو و حیثیت مردم ، جان و مال و ناموس و شغل آنها مورد یورش
دایم او باش و اراذل و ارگانهای رنگارنگ سرکوبگر رژیم است ، حتی
حریم زندگی خصوصی مردم از گزند گزیده های رژیم در امان نیست . امنیت
شغلی و قضایی مردم هر دم با اراده جاسوسان رنگارنگ رژیم که در
انجمنهای اسلامی و شوراهای مساجد و از این قبیل ارگانها به
خدمتگذاری به ارتجاع مشغولند ، مورد تهدید قرار میگیرد .

گفته های متعدد جاسوسان گوناگون رژیم در کوچه و خیابان ، مدرسه
و دانشگاه ، اداره و ... به آزار و اذیت مردم عادی مشغولند و آنها را
تفتیش می کنند ، می زنند ، بازجویی می کنند ، دستگیری کنند و به
زندانی می برند ، اخاذی می کنند و سایه شوم خفقان و استبداد را بر
زندگی مردم می گسترانند . طعمه های این گشته ها فقط اعضاء و هواداران
سازمانهای انقلابی نیستند ، بلکه آنها برای تحمیل عقاید متحجر
و ارتجاعی ، ارتجاع حاکم ، می کوشند همه حقوق فردی مردم را زیر پا
گذارند و آنها را برده و ار به تبعیت از افکار و سلاشق قرون وسطایی خویش
مجبور سازند .

حاکمیت ارتجاع با نقض همه آزادیهای سیاسی مردم و با استقرار
استبداد قرون وسطایی ، می خواهد از هرگونه اعتراض و حرکتی جلوگیری
کند و شرایط مناسب را برای چپاول کلان تاجران بیش از پیش فراهم
سازد . حکام جمهوری اسلامی که بر علیه انقلاب و منافع توده های
میلیونی گام برمی دارند ، مجبورند با سزکوب نیروهای سیاسی و ترور
و ارباب برای حفظ حکومت خود بکوشند . اما ارتجاع هرگز قادر نخواهد
بود با سرکوب آزادیهای سیاسی و حقوق فردی و اجتماعی مردم ، میهن
ما را به "جزیره آرامش" مبدل کند و مبارزه و اعتراض علیه وضع موجود
را خاموش سازد . مردم انقلابی میهن ما که استبداد شاه را به گور
سپردند ، مستبدین حاکم را نیز به سزای اعمال جنایتکارانه خود
خواهند رسانند .

در شکنجه‌گاه‌های جمهوری اسلامی:

جان ده‌ها هزار زندانی سیاسی و انسان آزاده در خطر جدی است

شرایط وحشتناک حاکم بر زندان‌های ایران، مردم میهن ما و همه بشریت مترقی و آزادخواه را به اعتراض واداشته است. جنایات بیشمار رژیم علیه نیروهای انقلابی و میهن پرست طی ششمین سال انقلاب با شدت و وسعت بیشتری ادامه یافت. انقلابیون و میهن پرستان بیشماری به "جرم" دفاع از مردم به میدان‌های اعدام روانه شدند، تعداد بیشماری مفقود گردیدند، بسیاری به زندان‌های سنگین محکوم شدند. تعداد زیادی از زندانیان سیاسی زیر شکنجه‌های دژخیمان رژیم جان باختند.

ارتجاع حاکم برای تحکیم رژیم استبدادی خود، سرکوب و حشیانه فداییان، توده‌ایها و مجاهدین و سایر نیروهای انقلابی را همچنان شدت و گسترش داد. دژخیمان رژیم و خود فروختگان و مزدوران در زندانها، انقلابیون را تحت فشار شدید جسمی و روحی قرار دادند و مذبحا نه‌کوشش کردند روحیه زندانیان را تضعیف کنند و شوهای تلویزیونی سرهم‌بندی نمایند.

حکام جمهوری اسلامی که با اعتراض روز افزون مردم ایران و سراسر جهان مواجهند، برای جلوگیری از انعکاس جنایاتشان، مخالفان فکری و عقیدتی خود را مخفیانه از بین می‌برند. صدها تن از زندانیان سیاسی طی سال گذشته مخفیانه در زندان‌های رژیم به جوخه اعدام سپرده شدند. اعدام‌های مخفیانه زندانیان سیاسی به زندان اوین خلاصه نشد، ده‌ها تن از فرزندان انقلابی و مبارز میهن مادر شیراز، تبریز، کازرون، مهاباد، سنندج، سمنان، اهواز و... اعدام شدند. طی سال گذشته بسیاری از نیروها، سازمانها و احزاب مترقی، دموکراتیک و انقلابی ایران و جهان بر علیه ددمنشی‌های حکام جمهوری اسلامی اعتراض کردند، جنایات وحشتناک رژیم را محکوم نمودند و آنرا بی‌سابقه خواندند و خواهان قطع اعدامها و شکنجه‌ها در ایران شدند.

اعتراض مردم میهن ما به جنایات رژیم در زندانها روز بروز گسترده ترمی شود. رژیم قادر نیست با سرکوب نیروهای انقلابی و میهن پرست که برای رهایی مردم از محرومیت، ظلم و استبداد مبارزه می‌کنند، صدای اعتراض مردم میهن ما را خاموش سازد.

فراخوان و برنامه برای دفاع از زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهید!

هم میهنان مبارز!

سا زمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ، برنامه خود را برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران اعلام کرده و در عین حال از هر پیشنهاد و فراخوان موثر دیگری هم صمیمانه پشتیبانی می کند. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی تمام حقوق سیاسی، حقوق قضایی و حقوق زیستی زندانیان سیاسی را گستاخانه پایمال کرده و بیگانه فجیع ترین جنایات علیه زندانیان دست می زند، مبارزه در راه تامین حقوق و مطالبات زندانیان سیاسی ایران اهمیت ویژه ای کسب می کند. ماهمه نیروهای آگاه و مبارز را فرامی خوانیم که دست در دست یکدیگر برای تحقق اهداف شریف و انقلابی زیر، که اهداف مشترک همه ما هستند، مبارزه متحد خود را علیه ارتجاع حاکم باز هم بیشتر گسترش دهیم :

حقوق و خواسته های سیاسی و قضایی :

* اعدام زندانیان سیاسی باید ملغی گردد

قلب پرتیش هزاران میهن پرست و انقلابی آماج کین سرکوبگران گشته است. دژ خیمان بیرحمانه ، انقلابیون ، نوجوانان ، مادران ، زنان سالخورده و باردار را به جوخه اعدام می سپارند و به اتکالی فتوای رهبران جمهوری اسلامی خون انقلابیون را قبل از اعدام می کشند و به دوشیزگان و زنان تجا و زمی کنند. می بایست ایمن سفاکیها و ددمنشیها هر چه زودتر پایان یابد و اعدام زندانیان سیاسی لغو شود. اسامی و اتهام اعدام شدگان به اطلاع مردم برسند و سرنوشت مفقود شدگان معلوم گردد.

* هرگونه شکنجه و آزار جسمی و روانی زندانیان باید قطع گردد

دژخیمان رژیم برای کسب اطلاعات و به زانو افکندن انقلابیون ، به شکنجه های قرون وسطایی متوسل می شوند. شکنجه در زندانهای رژیم ابعادی سابقه و وحشتناکی دارد. تاکنون صدها تن از مبارزین راه استقلال و آزادی کشور زیر شکنجه به شهادت رسیده اند. شکنجه برای گرفتن اعتراف ، شکنجه برای مجبور کردن زندانی به شرکت در مصاحبه ، شکنجه برای مرعوب کردن زندانی ، حربه جنایتکارانه

و عادی جمهوری اسلامی است. باید به شکنجه تحت هر عنوان و به هر شکل که باشد فوراً پایان داده شود و شکنجه گران و آمرین به شکنجه محاکمه و مجازات شوند.

*** پیگرد و دستگیری مبارزین باید قطع شود**
ارگانهای تجسس و سرکوب میهن پرستان باید منحل گردد

هیچ میهن پرستی در کشور ما از حمایت قانون برخوردار نیست. ما مورین رژیم بدون هیچ مجوز قانونی فرزندان مبارز خلیق را با زداشت می کنند. رژیم جمهوری اسلامی برای خاموش کردن صدای اعتراض زحمتکشان و سرکوب و نابودی نیروهای آزادیخواه و انقلابی مداوماً ارگانهای سرکوب خود را گسترش داده و گشت های متعسددی را برای شکار افراد مبارز بوجود می آورد. می بایست پیگرد و دستگیری مبارزین پایان یابد و ارگانهای سرکوبگر و اطلاعاتی منحل شوند.

*** هرگونه اجبار زندانیان به رد عقاید خود باید فوراً قطع شود**

شکنجه ددمنشانه جسمی و روانی برای وادار کردن زندانیان به رد عقاید خود و کشتن آنان به تلویزیون از جمیع ترین جنایات مرتجعین حاکم است. آنان تلاش می کنند حیثیت، شرف و هستی انقلابیون را گد مال کنند و در این راه ابتدایی ترین اصول اخلاقی را زیر پا می گذارند. به این اعمال ضد انسانی باید فوراً پایان داده شود.

*** عنوان " زندانی سیاسی " برای میهن پرستان اسیر باید به رسمیت شناخته شود**

رژیم، انقلابیون را تحت عنوان " محارب و ملحد و تروریست و جاسوس " به زندان می افکند و معرفی می کند. به ایمن دروغ و فریب بزرگ باید پایان داده شود و عنوان " زندانی سیاسی " که متضمن حقوق ویژه میهن پرستان اسیر است به رسمیت شناخته شود.

*** مشخصات و اتهام و محل بازداشت هر زندانی باید اعلام گردد**

ما مورین سرکوب رژیم عناصر مبارز و انقلابی را از خیابانها،

جاده‌ها، کارخانجات و ادارات می‌ریایند و بدون اعلام اسامی و اتهام آنها و بدون اطلاع خانواده‌ها به سیاهچال‌های اندازند و عده زیادی از آنان را در خفا اعدام می‌کنند. رژیم عده‌ای از مبارزین را در سیاهچال‌های مخفی نگه می‌دارد. می‌بایست تمام جاهایی که به عنوان زندان مورد استفاده قرار می‌گیرد معلوم شود و اسامی تمام زندانیان، علت دستگیری، اتهام و محل بازداشت آنها در مطبوعات اعلام گردد.

* زندانیانی که محکومیتشان تمام شده باید آزاد گردند

رژیم، عده زیادی از زندانیانی را که دوره محکومیتشان به اتمام رسیده آزاد نمی‌کند و بدین وسیله می‌خواهد از یک سوم آن‌ها پیوستن آنان به جنبش خلق شود و از سوی دیگر به عنوان گروگان آنها را نگه دارد تا در پاسخ به فعالیت‌های آنها که بدان تعلق دارند، به دست جوخه‌های اعدام بسیار در این زندانیان بیاورد. فوراً آزاد شوند و به آغوش خانواده‌های خود بازگردند. زندانیان می‌بایست که عده قلیلی از زندانیان که محکومیتشان تمام شده و یا فاقد پرونده می‌باشند، موقع آزاد شدن برگ‌ندامت نام‌ها را امضا نمایند. زندانیان باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

* محاکمات باید علنی و قانونی باشد

میهن پرستان و انقلابیون ایرانی در بیدادگاه‌هایی محاکمه می‌شوند که در آن هیچ قانون و ضابطه‌ای وجود ندارد. در بسیاری موارد اصلاً دادگاه تشکیل نمی‌شود و حکم محکومیت زندانی، حتی حکم اعدام بدون دادگاه، بدون حق دفاع و بدون ثبت حکم و دلایل آن صادر می‌شود. تمام جریان صدور حکم و محکوم کردن زندانی مخفیانه صورت می‌گیرد. در جمهوری اسلامی تا امروز هزاران نفر بدون محاکمه، بدون پرونده، بدون دادگاه و وکیل و حق دفاع، بدون حضور و اطلاع کسی و فقط به اصطلاح به "اذن حاکم شرع" اعدام و سربسته نیستند. هرگونه محاکمه‌ای باید بطور علنی و با حضور وکیل مدافع و با حق دفاع و با حضور هیات منصفه و با شرکت آزادانه تماشاگران و خبرنگاران داخلی و خارجی تشکیل شود. حکم دادگاه باید مستدل و متکی به نص قانون باشد و در مطبوعات رسمی درج شود.

* هیاتهای ملی و بین‌المللی مسئول باید مجاز باشند از زندانها دیدن کنند

زندانیان رژیم تاکنون تلاش کرده اند که تبهکای آنها را به بیرون از زندانها درزن کنند. برای افشای جنایات رژیم و نظارت بر رعایت حقوق زندانیان، شخصیت‌ها و هیاتهای مترقی ملی و بین‌المللی و خانواده‌های زندانیان سیاسی باید بتوانند از زندانهای رژیم بازدید کنند. زندانیان سیاسی بدون بیم و ترس از مجازات باید بتوانند این هیاتها را در جریان وضع زندان و رفتار زندانیان قرار دهند.

* حق زندانیان برای شکایت به مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر باید تامین شود

در حالیکه زندانیان سیاسی ایران زیر شدیدترین آزارها و بیدادگریهای عمال رژیم قرار دارند، به هیچیک از آنان اجازه داده نمی‌شود علیه این بیدادگریها به مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر شکایت و تقاضای رسیدگی کند. رژیم جمهوری اسلامی هر حرکت اعتراضی زندانیان را به‌خشن‌ترین شکل ممکن سرکوب می‌کند. باید همه زندانیان سیاسی بتوانند شکایات و دادخواستهای خود را به مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر تسلیم و تقاضای رسیدگی کنند.

حقوق زیستی:

* تامین غذای کافی و بهداشت و درمان

کمبود مواد غذایی، فقدان دارو و دکترا، آلوده بودن محیط زندان و فشارهای روحی و جسمی، نبود حمام و کمبود دستشویی و تراکم فوق‌العاده و جان‌فرسای زندانیان، محیط زندان را به شدت غیربهداشتی و آلوده ساخته است. سلامت تمام زندانیان در معرض خطر جدی قرار دارد. گرسنگی دایمی همه زندانیان سیاسی ایران را رنج می‌دهد. بهداشت محیط زندان و امکان درمان و مواد غذایی کافی و حقوق استفاده آزادانه از حمام و دستشویی باید برای همه زندانیان سیاسی تامین گردد.

* تامین جا و حق هواخوری

به سبب وسعت دستگیریه‌ها، جادرزندانها فوق العاده تنگ است. زندانیان در سلولها و اتاقهای کوچک، مرطوب و کم نور، عسسه زیادی از زندانیان را جامی دهند و به آنان امکان هواخوری و ورزش هم نمی دهند. در حال حاضر در اتاقهای دربسته حتی جا برای نشسته خوابیدن زندانی هم نیست. متوسط جا برای هر زندانی همواره کمتر از ۵/۵ متر مربع است. باید برای زندانیان حداقل فضای زیستی (۱۴ متر مکعب برای هر نفر) تامین گردد و علاوه بر آن همه زندانیان باید بتوانند در طول روز از هوای آزاد استفاده کنند.

* ملاقات حضوری و هفتگی

عمال رژیم جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را گاه ماهها و حتی سالها بدون ملاقات و حتی بدون کوچکترین اطلاعی از خانواده در زندان نگه می دارند آنها فقط به عده کمی از زندانیان آنهم در شرایط ناهنجار و بکلی غیر انسانی ملاقات می دهند. باید امکان ملاقات حضوری، هفتگی و بدون کنترل و آزاد برای تمام زندانیان تامین شود.

* تامین نشریات و کتابهای درخواستی زندانیان

زندانیان برای آزار روحی زندانیان و تحمیل ایده های خرافی و بغایت ارتجاعی و احمقانه به آنان فیلم ها، نمایشات و سخنرانیهای مبتذل اجباری ترتیب می دهند و یا این قبیل برنامه ها را از تلویزیون مدار بسته زندان در طول روز پخش می کنند. زندانیان زندانیان را از تحولات جاری جهان و ایران بی خبر نگه می دارند. باید روزنامه ها، نشریات و کتابهای مورد نیاز زندانیان در اختیارشان قرار گیرد و امکان استفاده آزاد از رادیو فراهم گردد.

* حق ادامه تحصیل و مکاتبه

حکومت دهها هزار دانش آموز، دانشجو و دانش پژوه را در دخمه های خود اسیر کرده است. برای همه زندانیان، تحصیل، یک خواست

اساسی و بسیار ضروری است. زندانیان باید از این حق خودبهره مند شوند. همچنین زندانیان باید بتوانند دنیا خویشاوندان، دوستان و مجامع مترقی ملی و بین المللی مکاتبه کنند.

هم میهنان مبارز!

از شما دعوت می کنیم در هر حد و به هر شکل که می توانید جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران را تقویت کنید. به هر اندازه و در هر مورد از موارد زیر که انجام آن برای شما مقدور است، اقدام کنید. حمایت شما از زندانیان سیاسی موثرترین راه نجات جان این عزیزان است.

— به سازمانها و مجامع ترقیخواه و به نشریه کاروسا یا مطبوعات مترقی نامه بنویسید، اطلاعات خود را درباره جنایات رژیم علیه زندانیان در اختیار آنان قرار دهید.

— برای مراجع و مجامع بین المللی نامه بنویسید، جنایات رژیم علیه زندانیان را شرح دهید و علیه آن اعتراض کنید.

— کوشش کنید تا با زندانیان، اسامی شهدا، نحوه دستگیری و کلیه اخبار و اطلاعات را از وضع زندانیان و یاقربانیان شکنجه و شهدای خلق، بدست آورید و آن را به نشریه کاروبه دست سایر نیروهای مترقی برسانید.

— نشریات مترقی را بخوانید، به رادیوهای انقلابی گوش کنید، اطلاعات و خبرها و رهنمودهای آن را به خاطر بسپارید و در محیط کار و زندگی خود منعکس کنید و به گوش زندانیان برسانید.

— دیدار از محافل و دید و بازدیدهای خانوادگی زندانیان سیاسی و شهدای خلق در شرایط امروز اهمیت فوق العاده دارد. بطور دستجمعی به مسئولان مراجعه کنید، شکایت نامه و تقاضا نامه تنظیم کنید و آن را به مقامات مسئول و مراجع بین المللی ارسال نمایید.

— از خانوادههای شهدا و زندانیان سیاسی دیدن کنید و امیدوارید پیروزی و شور و مقام و متراشعله و رسازید. از هیچگونه حمایت مادی و معنوی از این عزیزان دریغ نکنید.

— مبارزانی که از زندان آزادی می شوند مشاهدات و اطلاعات خود را درباره جنایات رژیم در زندانها مفضلادرنسخ متعدد بنویسند و برای نشریه کاروبه سازمانها و نهادهای مترقی ملی و بین المللی ارسال کنند.

— ایرانیان آزادیخواه و عناصر مترقی در خارج از کشور در حال

حاضر می توانند نقش بسیار مهمی در دفاع از زندانیان سیاسی ایفا کنند. آنان باید به هر وسیله ممکن شخصیتها، احزاب و محافل مترقی جهان را از جنایاتی که در زندانهای ایران می گذرد آگاه سازند. باید به هر شکل ممکن توجه جهانیان را نسبت به آنچه که در میهن بلاکشیده ما می گذرد جلب کرد.

هم میهنان گرامی!

ما اطمینان داریم که مبارزه علیه حکام خائن جمهوری اسلامی و نجات جان میهن پرستان ایرانی سرانجام به پیروزی خواهد رسید. این مبارزه البته تحمل سختی ها و قربانی های بسیی می طلبد. ما دیرباز و دیردیوارهای اوین و قزلحصار و گوهر دشت و دهها دخمه و قتلگاه دیگری که رژیم ساخته است، به نیروی شما فروخواهد ریخت. جنایتکاران خونریز به جزای اعمال ننگین خود خواهند رسید. پیروزی ما در گرو اتحاد و مبارزه ما است.

درد و دیرزندانان سیاسی که قهرمانان در برابر
دژخیمان ایستاده اند

پیروز باد مبارزه حق طلبان خلق ستمدیده ایران

کمیته مرکزی

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

۲۵ تیر ماه ۱۳۶۳

زندانیان سیاسی

تحت وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روانی هستند

در زندانهای جمهوری اسلامی نه تنها تمام اشکال شکنجه مرسوم در رژیمهای ارتجاعی متداول است، بلکه روشهای قرون وسطایی مختص دژخیمان جمهوری اسلامی به آنها اضافه شده است. جمهوری اسلامی گوی سبقت را از همه فاشیستهای معاصر خود ربوده است و در شقاوت و بی رحمی نسبت به انقلابیون و مبارزان همتان ندارد. در جمهوری اسلامی مبارزان در بندنه تنها قبل از محاکمه برای دستیابی به اسرار سازمانی، مورد شدیدترین شکنجه ها قرار می گیرند، بلکه پس از بازجویی و محکومیت نیز برای دست برداشتن از اعتقادات خود، برای انجام مصاحبه های دلخواه رژیم و برای همکاری با حکومت مورد شکنجه و آزار مداوم جسمی و روانی قرار می گیرند. زندانیان محکوم را تا لحظه ای که آزاد نشده اند، همواره خطر مرگ و اعدام تهدید می کند. بسیاری از زندانیانی که پس از قطعیت محکومیتشان در رابطه با اقدامات انقلابیون در بیرون زندان مورد انتقامجویی کورد دژخیمان قرار گرفتند و اعدام شدند، بسیارند برادران و خواهران و مادرانی که بخاطر برادر، خواهر و یا فرزند خود گروگان گرفته شده، "محاکمه" شده و حتی رژیم آنها را اعدام کرده است. در زندانهای جمهوری اسلامی بجز حکم اعدام هیچ حکم قطعی دیگری وجود ندارد. هر لحظه ممکن است زندانی تجدید "دادگاه" شود و جرم و جت با پاسداران و مأموران با اصطلاح سیاسی و آموزشی رژیم و جاسوسان، زندانی را به مخاطره می اندازد.

زندان شلاق به کف پا با کابل و با شیلنگ، هنگامیکه زندانی آویزان است، شکستن دست و پا و کتف و پهلوی در زیر مشت و لگد، سوزاندن بدن زندانیان با منقل برقی، آویزان کردن برای مدتی طولانی، چکاندن آب یخ به سر زندانی، دستبند چپانی، بی خوابی و بستن زندانی با زنجیر بصورت ایستاده برای چند روز، از جمله شکنجه های متداول در زندانهای جمهوری اسلامی است. شلاق اصلی ترین حربه دژخیمان برای فشار به مبارزان است. بر اثر شلاقهای دائمی و هر روزه گاه حتی انگشت پای انقلابیون می افتد، در موقع شلاق چشمها را می بندند و کهنه های دردها ن زندانی فرومی برند و کلاه جوراب مانند را به سر زندانی می کشند تا صدای فریاد او شنیده نشود. بسیاری از انقلابیون و میهن پرستانی که همان روزهای اول به دلیل مقاومت و ایستادگی مردانه در زیر شکنجه دژخیمان شهید می شوند، بعد از شکنجه های طولانی روی پای مبارزان انقلابی عمل ترمیمی صورت می گیرد، چون زخمها که بدون معالجه مدت ها عفونی شده اند و بعد کم کم جوش خورده اند،

اغلب گوشت اضافه دارد و ذخیمان برای جلوگیری از بی حیثیت شدن خودشان عمل ترمیمی می کنند.

شکنجه های روانی در زندانهای رژیم ددمنشانه تر از شکنجه های جسمانی اند، در تمام طول زندان چه هنگامیکه هنوز زندانی محاکمه نشده است و بلا تکلیف است و چه پس از محاکمه شکنجه های روانی اعمال می شود. ذخیمان به شیوه های گوناگون کوشش می کنند با فضا سازی چهره مبارزین مقاوم را نزد دیگر اراشان خراب کنند و آنها را بیازارند. گاه با استفاده از دوربینهای مخفی در هنگام بازجویی مبارزین، از بخشهایی از صحبتهای آنان فیلم می گیرند و آنها را در تلویزیون مدار بسته مورد سوء استفاده قرار می دهند. مبارزین را با "تو ابیین" و شکستگان، ماهها در یک سلول می گذارند تا آنان را موعظه کنند و با اصطلاح متقاعد سازند. فشارهای متعددی را برای عدول از مواضع ایدئولوژیک به زندانی وارد می سازند. او را به بحثهای بی سر و ته با به اصطلاح مسئولین آموزشی زندان و امی دارند و در صورت مقاومت زندانی را ماهها به سلول انفرادی می فرستند، بعنوان "متعصب"، "کافر"، "ملحد" تجدید محاکمه می کنند و تهدید به اعدام می نمایند و یا به دروغ برای او پرونده سازی مجدد می کنند. زندانیان در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی مجبورند ساعتها پای سخنان بی سر و ته و سراسر پافشاری و اهانگ کوردلانی که حاضر نیستند حتی یک لحظه مخالفان فکری و عقیدتی خود را تحمل کنند، بنشینند. ذخیمان بالای سر مبارزان می ایستند تا هر اعتراضی را در جا خفه کنند. در زندانهای جمهوری اسلامی "تو ابیین" و نادمین را امی دارند تا مبارزین انقلابی را در داخل "بند" به بهانه های کذایی کتک بزنند، یا آنها را مورد اهانگ قرار دهند، اگر زندانی به این ددمنشی ها اعتراض کند، رژیم بلافاصله برای او پرونده "شورش" درست می کنند و او را مجدداً "دادگاه" می نماید.

علیرغم این اعمال حیوانی که گوشه هایی از آنرا شرح دادیم، مقاومت و ایستادگی فرزندان قهرمان مردم میهن ما در زندانها روز بروز افزایش می یابد. در زندان اوین و سایر زندانها ذخیمان هر روز با مقاومت گسترده تر و نیرومندتری مواجه می شوند. مقاومت در زندانهای جمهوری اسلامی علیرغم ددمنشی ارتجاع حاکم جوزندانها را تحت الشعاع قرار داده است و شکنجه ها و جنایات رژیم را بیش از پیش بی ثمر می سازد.

در جمهوری اسلامی حتی بعد از محکومیت، شکنجه های وحشیانه جسمی و روانی مبارزین، برای دست برداشتن از اعتقاد تشکیلاتی و برای انجام محاببه های دلخواه رژیم و دهها علت دیگر ادامه می یابد.

هزاران زندانی سیاسی تاکنون بدون محاکمه اعدام شده‌اند

برای رهبران جمهوری اسلامی محاکمه زندانیان سیاسی امری بی معناست، آنها همه را "مخارب"، "مرتد" و "ملحد" می نامند و "مقاتله" با آنها واجب است. بیدادگاه‌های رژیم به روشنی گویای این درک حکام خائن جمهوری اسلامی از قضا و قضاوت است. سبهاک‌ریهای ارتجاع حاکم در بیدادگاه‌های سابقه و شرم آور است. اغلب گزارش بازجویان و شکنجه‌گران خود بعنوان حکم محکومیت زندانی است. در بسیاری از موارد بازجوها حکم را پس از پایان بازجویی تعیین می کنند و پرونده محکومین را به بایگانی می فرستند و اصلاً دادگاهی تشکیل نمی شود. گاه و بیگاه که رژیم برای خالی نبودن عریضه دادگاهی تشکیل می دهد، نه وکیل مدافع حضور دارد، نه پرونده وجود دارد که بر مبنای بررسی آن حکم صادر شود، نه فرصت دفاع به متهم داده می شود. حتی در جریان بیدادگاه‌های رژیم تهدید و ارباب و شکنجه متهمان قطع نمی شود و گاه بازجویان و شکنجه‌گران برای جلوگیری از دفاع متهم از ایدئولوژی خود در "دادگاه" حاضر می شوند. موارد بسیاری پیش آمده حکام شرع در مقابل اعتراض زندانیان به چنین محاکمی گفتند "ما شمارا اعدام می کنیم، اگر شما بی گناه باشید به بهشت می روید و اگر گناهکار به جهنم می روید و به سزای اعمال خود خواهید رسید". حاکم شرع یکی از دادگاه‌ها در مقابل اعتراض مبارزی به رای دادگاه در همان جلسه ۵ سال به زندان او اضافه کردند. لاجوردی جلاد در مقابل اعتراض مادری که تنها فرزندونان آورش را به ۵ سال زندان محکوم کرده بودند، درجا میزان زندان فرزندش را چندین سال افزایش داد. این است معنی عدالت در جمهوری اسلامی. دادگاه‌ها معمولاً یک میزویک صندلی که یکی از افراد انجمن سلامی بعنوان منشی و یک حاجی بازاری بعنوان "دادستان" پشت آن نشسته است و یک به اصطلاح حاکم شرع که فردی بی فرهنگ و بی اطلاع از مسایل حقوقی است، تشکیل می شود. گاه بازجو و شکنجه گر خودشان بعنوان "دادستان" در دادگاه حاضر می شوند. در بیشتر مواقع "دادگاه" از یک متهم و یک به اصطلاح منشی تشکیل می شود. حکم به متهم ابلاغ می گردد و دادگاه تمام است. معمولاً ۲۰، ۱ نفر از متهمین با چشمان بسته پشت در "دادگاه" به نوبت می نشینند و یکی، یکی به بیدادگاه وارد شده، پس از اندکی خارج می شوند.

در زندان‌ها هر مبارزی این را خوب می داند که اگر در بیدادگاه‌ها حرفی از شکنجه و پرونده سازی‌های مبتنی بر آن زده شود، چندین سال بر محکومیت او افزوده خواهد شد. گردانندگان گاه خود شلاق به دست به

چنان متهم می‌افتند و او را درجا "تعزیر" می‌کنند. اتفاقاتی که در بیرون می‌افتد، حرکتی که انقلابیون درجا معانجام می‌دهند، اعتراضات مردم بر سر مسایل گوناگون به رژیم، همه و همه روی جو "دادگاهها" تاثیر می‌گذارد و در چنین روزهایی عده زیادی که منتظر آزادی بودند، یک باره به "دادگاه" برده می‌شوند و حکم اعدام یا زندانهای سنگین می‌گیرند. در دادگاههای نمایشی رژیم حتی اتفاقات زندگی شخصی دژخیمان در میزان محکومیت مبارزان موثر است. بر بیدادگاههای رژیم هیچ قانون و ضابطه‌ای حاکم نیست، زندگی انقلابیون در بند با زیچه دست‌افزادی روانی، عقده‌ای و بی‌سواد است که به دلخواه خود و بر اساس تعبیر و تفسیرهای دلخواه از "قوانین" اسلامی آنان را محکوم می‌کنند.

...
"روزی که خلق بدانند

هر قطره خون تو مهراب می‌شود

این خلق،

نام بزرگ ترا

در هر سرود میهنی‌اش

آوازمی‌دهد

از "شعر بی‌نام" سروده "خسروگل سرخی"

بیدادگاههای رژیم حاکم کذابی خود را پشت درهای بسته بدون حضور هیات منصفه، بدون حضور وکیل و بدون وجود حقوق دفاع برای متهمین، صادر می‌کنند.

زندانیان سیاسی از ملاقات نزدیکان خود محرومند

برای ملاقات زندانیان در زندانهای رژیم بخصوص در اوین مقررات سختی وضع شده است. رژیم که از ملاقات خانواده‌های زندانیان سیاسی با فرزندان مجروح و شکنجه شده آنها وحشت دارد و زیر و زبار اخبار جناياتش به بیرون زندان و در میان مردم می‌ترسد، اجازه ملاقات به خانواده‌های زندانیان نمی‌دهد. در زندانهای جمهوری اسلامی رسم بر این است که تا ماه‌ها پس از دستگیری اصلاح‌بردستگیری و محل نگهداری زندانی اعلام نمی‌شود و مردوران رژیم در مقابل مراجعات مکرر خانواده‌ها از فرزندان آنها اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند تا به راحتی بتوانند دستگیر شدگان را سر به نیست کنند. ملاقات زندانی با خانواده‌اش تابع تمایلات با زجوهاست، بسیارند خانواده‌هایی که ماه‌ها و سال‌ها از ملاقات عزیزان خود محرومند. برای ملاقات زندانیان در اوین، در محوطه‌ای خارج از زندان نزدیک به سراهی اوین-پارک وی، به کسانی که ظاهراً حق ملاقات دارند، یعنی پدر و مادر و فرزندان در سال زندانیان، شماره می‌دهند. خانواده‌هایی که همه مسایل آنها حل شده باشد و از هفت خان گذشته باشند، با یک مبنی بوس مخصوص به زندان برده می‌شوند. ملاقات از پشت شیشه و با تلفن صورت می‌گیرد، هر کلمه‌ای که به نظر دژخیمان مشکوک آید باعث آزار و اذیت زندانی و خانواده‌ها خواهد شد. به حدی خانواده‌ها را مرعوب می‌کنند که معمولاً چند دقیقه ملاقات به سکوت می‌گذرد، زندانی بهیچ وجه حق ندارد جزا حواله‌پرسی معمولی حرفی بزند و چیزی بگوید. همه تلفن‌ها کنترل می‌شود و مردوران نیز در محل حضور دارند، از پذیرش هر شیئی خودداری می‌شود. میوه‌ها را اگر قبول کنند، آنها را پوست کنده، تکه تکه می‌کنند و بعد به زندانی تحویل می‌دهند و سالی دو بار با اجازه با زجوها لباس می‌پذیرند. فاصله بین دو ملاقات متفاوت است و نسبت به وضع زندانی از یک ماه تا یک سال تغییر می‌کند. گاه خانواده‌هایی که ماه‌ها از فرزند خود بی‌اطلاع بوده‌اند پس از مراجعات مکرر خیر اعدام آنها را از دژخیمان دریافت می‌کنند و با دیدن آنها مراجعه‌کنند تا آدرس محل دفن فرزند خود را دریافت دارند. خانواده‌های زندانیان سیاسی از ظلم و جور دژخیمان در امان نیستند، آنها بیکه برای دیدار عزیزان خود و کسب اطلاع از آنها با پافشاری کنند، مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و تهدید می‌شوند.

رژیم از وحشت انعکاس اخبار جناياتش از زندانها به بیرون، اجازه ملاقات به خانواده زندانیان سیاسی نمی‌دهد.

رژیم برای آزار زندانیان سیاسی از قلمین بهداشت و درمان و غذای کافی برای آنها خود داری می کند

اکثریت قریب به اتفاق مبارزان دربند از زخمها و شکستگیهای ناشی از شکنجه های وحشتناک، گاه پس از گذشت ماهها و سالها، رنج می برند، بعضی از زخمهای آنها مدت های طولانی عفونی است. استخوان پای بعضی از انقلابیون در نتیجه ضربات کابل سیمی چنان آسیب دیده که پای آنها را قطع کرده اند. بیماریهای عصبی و حالت های روانی ناشی از فشارهای وحشتناک دوران بازجویی و بعد از آن برخی از زندانیان را آزار می دهد. این بیماریها نه تنها درمان نمی شود، بلکه عمداً تشدید می شود. بیماریهای پوستی، انواع و اقسام قارچ و همچنین گال بسیار شایع است.

دژخیمان به جای مداوای بیماران از این بیماریها بعنوان شکنجه ای دیگر برای شکستن و به زانو درآوردن انقلابیون استفاده می کنند، امکانات بهداشتی و درمانی درون زندان بسیار محدود و در حد صفر است. دارو نیست و یک قرص مسکن حکم کیمیا دارد.

غذا بسیار کم است و بهیچ وجه کفایت تعداد زندانیان را نمی دهد، جیره غذایی برای هر نفر بسیار اندک است، و سه وعده غذای زندان به زحمت در حد یک وعده غذای کامل است. بعضی اوقات به مدت چند روز غذا فقط نان و خرما و بیابان و خیار است، اگر اطاقی "خلایی" کند، غذای افراد آن قطع می شود. یکی از مبارزان دربندی گوید: "وقتی مادر او بین در اطاقی پانزده نفر بودیم، یک قابلمه به ما داده بودند که با آن غذا می گرفتیم، وقتی که جمع ما به ۸۶ نفر در همان اطاق رسید با همان قابلمه به ما غذا می دادند. فقط اصرار ما باعث شد که مقسم در در قابلمه هم کمی غذا بریزد". این وضع باعث شده است که اکثر زندانیان دچار گرسنگی دائمی و ضعف عمومی باشند، بنیه آنها به شدت ضعیف می شود. علاوه دژخیمان در اوین و سایر زندانهای رژیم در مقابل اعتراض زندانیان به کمی غذا، جیره غذایی آنها را نصف می کنند. این وضع اسفناک با افزایش تعداد زندانیان زندانها هر روز بدتر می شود. یکی از حدا در ترین مشکلات زندانیان در زندانهای نظیر اوین مساله دستشویی است. در شکنجه گاه اوین، در تمام ۲۴ ساعت سه دفعه و هر بار حدود ۲۵ دقیقه زندانیان را به دستشویی می برند، یکی از رفقا می گوید: "زمانیکه ما هشتاد و پنج نفر بودیم، بیست و پنج دقیقه وقت داشتیم که دستشویی برویم، یعنی هم توالت و حمام برویم، هم لباسشویی کنیم و ظروف غذایمان را بشویم و هم اطاقمان را جارو و نظافت کنیم، بعضی از بچه ها امکان پیدا نمی کنند به توالت بروند چون نوبت به آنها نمی رسد. برای دوش گرفتن گاه کمتر از یک دقیقه

بیشتر وقت نیست. کوچکترین تماس با دیوار حمام کافیهست تا بیماری پوستی سرايت کند. پس از گذشت ۲۵ دقیقه در اتاق توسط دژخیمان بسته می شود و هرکس بیرون بماند، کتک می خورد، روزی نبود که چند نفری از این بابت مورد آزار قرار نگیرند، اکثر بچه ها به این خاطر دچار پوست مزمن هستند و یا ناراحتی مشابه دارند، دژخیمان با کوچکترین مسأله ای بعنوان تنبیه از دستشویی بردن افراد اتاق خودداری می کنند...."

چنین است وضع زندگی، بهداشت، درمان و غذای زندانیان در شکنجه گاه های رژیم جمهوری اسلامی.

www.iran-archive.com

از جنایات رژیم در زندان اوین

چند دقیقه قبل صدای شلیک می آمد و همه می دانستند که دژخیمان در حال اعدام مبارزین هستند، سکوت مرگباری در موقع اعدام انقلابیون که پشت دیوارهای بندانجام شد، فضای سلول را فرا گرفت صدای شعارها و گاه ناله تیرباران شده هاشنیده می شد، هرکس مشغول هر کاری بود، کارش را رها کرد و ساکت روی زمین نشست، چشمان بعضی از رفقا پرازا شک شد، بعضی ها زیر لب زمزمه های نامفهومی کردند، بعضی گوشه های خود را با دست می گرفتند، عده ای تعداد گلگوله های خلاص را می شمردند و بهم خیره می ماندند، آخر تعداد اعدامیها را هر شب از روی تعداد تیرهای خلاص می فهمیدیم، سخوت سنگینی در سلول ما حکم فرما بود که ناگهان با لگدیک پاسدار درب سلول باز شد، همه به چشم پاسدار زدند، او گفت فلانی کیه رفیق کارگری از گوشه اتاق بلند شد و گفت: من، پاسدار گفت بریم، بچه ها همه به همدیگر نگاه کردند و قلب همه به تپش افتاد، موضوع چیه؟ رفیق تا جلوی درب رفت و هنگام خروج سرش را برگرداند و یک لحظه بچه ها را نگاه کرد و در حالیکه ما مورکت او را می کشید از در خارج شد، همه بچه ها نگران بودند و حدسیاتی می زدند، آخر رفیق ما محکوم بود و زندانی او قطعیت یافته بود، در آن هنگام شب برای چه کاری او را می بردند، خیلی وقتها اتفاق افتاده بود که بچه ها را بردند و دیگری از آنها خبری نشد، در زندان هیچگاه فرصت خدا حافظی نیست همه چیز با یک نگاه سریع بیان می شود. انقلابیون همه احساس و عواطف خود را در حین جدایی با یک نگاه بیان می کنند، مدتی گذشت درب سلول باز شد و رفیق در حالیکه تمام لباسهای خونی و خاکی بود، برگشت، بچه ها همه با تعجب دور او حلقه زدند و گفتند چه شده "تغزیر شدی" مسأله چه بود، او که بغض گلویش را می فشرد، گفت "نا مردها بردند و او دارمان کردند جنازه بچه های اعدام شده را که بیست و چند نفر بودند به داخل وانست بریم، خشم و کینه سرتاپای وجود بچه ها را گرفته بود، یکی دونفر از بچه ها لباسهایش را پاک کردند و او را نشان ندادند، چشمهایش متشنج و چهره اش افسرده و درهم بود، نشست و ساکت ماند، از آن روز حال و روز دیگری داشت، سخت گرفته و غمگین بود، گاه زیر لب زمزمه های سی می کرد و حرفهایی می گفت، نه می توانست غذا بخورد و نه می توانست بخوابد.

از این نوع شکنجه ها در زندان اوین فراوان است، دژخیمان با فاشیستی ترین روشها فرزندان مبارز و انقلابی مردم ما را می آزارند و آنها را یک لحظه حتی پس از محکومیت آرام نمی گذارند.

رژیم جانی ترین پاسدارها را برای نگهبانی داخل بند انتخاب می کند

پاسداری می گفت من ۲۷ نفر را کشته ام و به این کار خود افتخار می کرد، بعضی از پاسداران جلاد برای زدن تیر خلاص مبارزان اعدامی با هم دعوا می کنند. دربند ۲۸۰ (کمیته مشترک ساواک و شهرداری سابق) لمپنا، ساواکیهای سابق، عقب مانده ترین و کودن ترین پاسداران و جانی ترین افراد کمیته ها به پاسداری از زندانیان سیاسی و آزار آنها مشغولند.

یک پاسدار به نام "زنده دل" که دربند ۲۸۰ مشغول نگهبانی از سلولهاست نمونه یک انسان مسخ شده و بیما راست، که حاضر است به هر جنایتی دست زند، او که قبلا حوله فروش بوده، حالا چهار سال است که زیر دست بازجوها نیمچه بازجوشده است، و خصومت خاص با مبارزان استوار و مقاوم احساس می کند و به بهانه های گوناگون آنها را در داخل بند کتک می زند و یا به اتاق شکنجه می فرستد.

برای پاسداران هفته ای چند بار جلسه توجیهی گذاشته می شود و آنها مرتباً زیر نظارت و مراقبت قرار دارند، تا از مبارزان دربند تاثیر نپذیرند، به خشن ترین و دژخیم ترین آنها پاداش داده می شود و مورد تشویق قرار می گیرند. بعد از هر جلسه توجیهی رفتار پاسداران تغییر می کند و برخورد های آنها خشن تر می شود. در چهره بعضی از پاسداران درون بندها گرد غم و ناراحتی و حالت های عصبی به چشم می خورد. بعضی از آنها با انقلابیون و میهن پرستانی که استوار ایستاده اند و از آرمان خود دفاع می کنند با احترام برخورد می کنند. فشارهای خود سرانسه توسط نگهبانان همواره اعمال می شود. این فشارها که شامل کم کردن جیره غذا، حذف هوا خوری، نبردن به دستشویی، توهین، دادن گزارش از زندانی که معمولاً و رابه خاطر آن شکنجه می کنند، امری عادی است. بعضی از پاسدارهای داخل بند برای تفریح، زندانیان را از سلول بیرون می آورند و در راهروها به کلاغ پروغیبه و امی دارند. آنها را می زند، چشم بند می بندند و یک لحظه آنها را آرام نمی گذارند. پاسداران دستور دارند که فضای سلول را از آرامش تهی سازند و با آزار و اذیت زندانیان به آنها اجازه فکر کردن ندهند.

“تلویزیون‌های مدار بسته در خدمت شکنجه زندانیان”

از صبح تا شام در زندان اوین تلویزیون‌های مدار بسته به آزار روحی زندانیان مشغولند. مصاحبه‌های رنگارنگی که برای تضعیف روحیه مبارزین طراحی و تهیه شده است پخش می‌گردد، فیلم‌هایی را که مخفیانه از بازجویی بعضی از مبارزین سرهم‌بندی می‌کنند با هدف تضعیف روحیه زندانیان به نمایش می‌گذارند. ما موران با اصطلاح آموزش رژیم هر روز ساعتها زندانیان را با لاطا فلان گوناگون می‌آزارند، با اصطلاح خودبندیدگی و لولوی آنها می‌پردازند و بر علیه سازمانها و اهداف و آرمانهای آنها لجن پراکنی می‌کنند. بسیاری از مهره‌های رژیم نظیر عسکرها و اولاد، همپالکی و دوست لاجوردی جلاد و ازین قبیل افراد به زندانیان سیاسی درس "اخلاق" می‌دهند و برای تلافی افشاگریهای احزاب و سازمانهای انقلابی و میهن پرست علیه آنها، اعضا و هواداران در بند آنان را مورد اهانتهای قرار می‌دهند، ناسزا می‌گویند و در واقع به این سبک از خود دفاع می‌کنند.

دژخیمان در برابر بی توجهی زندانیان به این برنامه‌ها و یا عدم شرکت در تماشای آنها بسیار حساس هستند و با شکنجه و توهین از زندانیان انتقام می‌گیرند.

یکی از رفاقت‌تعریف می‌کرد که: "یک باریکی از پاسداران، مبارزی را که در موقع تماشای تلویزیون خوابش پرده بود کتک زد و یک بار رفیقی را که خندیده بود" تعزیر کردند."

تلویزیون مدار بسته همچنین برای شناسایی مبارزین انقلابی و تکمیل اطلاعات دژخیمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این منظور رژیم چهره مبارزان را نشان می‌دهد و از "توابین" می‌خواهد که اطلاعات احتمالی خود را درباره آنها بدهند. در هنگام آزادی زندانیان نیز همین روش مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیارند زندانیانی که بایک گزارش دروغ ماهها و حتی سالها در زندان نگهداشته می‌شوند. جنایات گوناگون رژیم در زندانها و روشهای "ابتکاری" که دژخیمان برای شکنجه و آزار و اذیت مبارزان در بند بکار می‌گیرند، جنایات وحشتناک و غیر انسانی اردوگاههای فاشیستی را به یاد می‌آورد.

رفقا و هم‌زمان دربند!
مردم میهن ما در ماههای قبل از قیام ۲۲ بهمن با نفرت و کین و با قدرت دشمن شکن خویش درهای زندانها را گشودند و فرزندان انقلابی خود را از چنگال رژیم شاه آزاد کردند. امروز نیز "شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد" دیگر بار از اعماق جامعه وطنین افکن می‌شود و مردم طنین آن رساتر می‌گردد، دیر نیست آن روز که مردم به نیروی سترگ خود شما فرزندان رزم‌نیده و گرانقدر خلق را از سیاهچالهای جمهوری اسلامی آزاد سازند و آزادی را جشن گیرند. ایستادگی حماسی شما در برابر دژخیمان، جلوه‌ای از ایستادگی پرتوان مردم میهن ما در برابر امپریالیسم و ارتجاع حاکم است. شما مظهری از آگاهی، شکیبایی و رزمندگی مردم ایوانید. رزم و رنج شما راه آزادی و بهروزی خلق را هموار می‌کند باشد که همواره بر رنجهای چیره باشید، رزمستان را گسترش دهید و در پیشگاه خلق که چنین رسالت پرارزش را برعهده شما گذاشته است سرافراز و سرافرازتر باشید.

(از پیام پلنوم مه‌ماه کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به زندانیان سیاسی)

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهادت قهرمانانه رفیق مرتضی میثمی و رفیق منصور پورجم

هم میهنان گرامی!

مردم بیباک خاسته و رزمنده ایران!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با انزجار و بیگانه از تبعه‌های حکام مرتجع جمهوری اسلامی به اطلاع می‌رساند که دو کادر برجسته و گرانقدر جنبش انقلابی ایران، فدائیان راستین خلق رفیق منصور پورجم عضو کمیته ایالتی خوزستان و رفیق مرتضی میثمی دبیر کمیته ناحیه‌ای شرق تهران در زندان اوین به دست دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند.

ما موران رژیم با کاردانان انواع شکنجه‌های جسمی و روانی تلاش کردند تا رفقا را از پای در آورند و بشکنند و تسلیم مقاصدشوم خود کنند. اما مقاومت قهرمانانه رفقا همه تلاشهای دژخیمان را با شکست مواجه کرد. آنان سر بلند ایستادند و تسلیم نشدند. دژخیمان وحشیانه به انتقام روی آوردند. رفقا مرتضی میثمی و منصور پورجم را زیر شکنجه‌های نرین شکنجه‌ها به شهادت رساندند و از بیم شما مردم زحمتکش حتی از درج خبر این جنایت فجیع در مطبوعات نیز جلوگیری کردند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بخاطر آنکه تا بنایک و همیشه جاویدان رفقا منصور پورجم و مرتضی میثمی درود می‌فرستد و به خانواده و بستگان رفقای شهید تسلیم می‌گوید. کمیته مرکزی ایستادگی دلیرانه و حماسی رفقا پورجم و میثمی را می‌ستاید و همه یاران سازمان را به آموختن از ایمان انقلابی و وفاداری عمیق آنان به راه و آرمان زحمتکشان، به راه حماسه ساز و پرافتخار فدائیان خلق فرا می‌خواند.

در این خون چکان لحظه‌های پراز عشق و کین عهدی بندیم که همچون روزبه‌ها و ارانی‌ها، همچون جزئی‌ها و گل‌سرخ‌ها، همچون حمید اشرف‌ها و دیگر شهدایمان تا آخرین نفس با اینار همه هستی‌مان به راه خلق‌ها مان وفادار باشیم. عالیتین آرزوی ماست که رهروان صدیق و پاکباز یاران رفته‌مان باشیم.

هم میهنان عزیز!

سراں رژیم جمهوری اسلامی از این جنایات شیطانی دست بردار نیستند. آنها که راه خیانت به شما و انقلاب شما را طی می‌کنند می‌خواهند صدای اعتراض و مبارزه شما علیه این خیانت بزرگ را خاموش کنند. آنها که در راه حمایت از سرمایه داران بزرگ و خانها و فئودالها و در راه سازش با امپریالیستهای غارتگر پیش می‌روند، می‌کوشند فرزندان دلیر و جوانباز شما را از سر راه بردارند. بهمین

دلیل تلاش می کنند با پهن کردن تورهای تعقیب و مراقبت انقلابیون سرشناس و سازماندهندگان مقابله و مت دشمنان را بر ارتجاع حاکم را به دام اندازند و پنهان از چشم شما، همچون خفاشان خون آشام و شب پرست، آنان را در تار و پودهای اوین و دیگر شکنجه گاهها سربسته نیست کنند.

عمال رژیم به تقلید از روش جنایت با رونفرت انگیز و آواک رفیق فدایی قربانعلی موذنی پور فرزند قهرمان خلق وزندانی سرشناس زندانهای رژیم شاه و مسئول کمیته ایالتی اصفهان را در تیرماه امسال در اصفهان به همراه همسر و فرزندش به دام انداخته و اسیر کردند و بلافاصله خبرشهادت رفیق را شایع کرده اند بدون آنکه هیچگونه اطلاع در اینباره انتشار دهند. همین توطئه جنایتکارانه را در مورد رفیق تقی قانع خشکه بیجاری، مبارز فدائیکار، پس از چند ماه، بازداشت به اجرا گذاشته اند.

اکنون نزدیک به یک سال ونیم است که فدایی سرشناس و قهرمان ایثار و ایستادگی در زندانهای رژیم شاه، عضو مشاورهیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) رفیق نوشیروان لطفی توسط عمال رژیم ربوده شده و تاکنون کوچکترین اطلاعی درباره وی به دست نیامده است.

ارتجاع حاکم که از متلاشی کردن سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و خاموش ساختن صدای اعتراض و درهم شکستن مقابله و مستدلیرانه فداییان خلقی عاجز مانده است به انتقامجویی وحشیانه و ناجوانمردانه از فداییانی که در اسارت خود گرفتار روی آورده است.

هم میهنان عزیز!

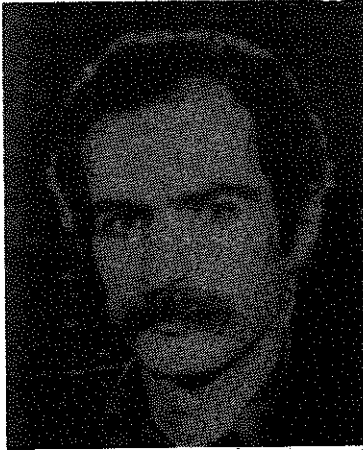
خروش خود را علیه تبهکاران رژیم رساتر سازید! علیه پیگردو با زداشت و شکنجه و کشتن را انقلابیون و میهن پرستان بپا خیزید. جان دهها هزار زندانی سیاسی در سیاهالهای رژیم در خطر است. دست دژخیمان را از جان فرزندان دلیر و قهرمان خود کوتاه کنید. ایمان داشته باشیم که مبارزه متحدانه یقیناً قادر است عمر این روزهای تیره و تاری را که ارتجاع حاکم بر میهن ما تحمیل کرده است کوتاه تر سازد و پرچم پیروزی و رهایی را از نو برپا میهن برافرازد.

جاودان باد ایادفدایان شهید مرتضی میثمی و منصور پورچشم
رساتربا دفریاداعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام

کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
آذرماه ۱۳۶۳

خاطره تابناک فدائیان شهید رفیق مرتضی میثمی

و رفیق منصور پورجم



یادنامه رفیق شهید مرتضی میثمی

رفیق شهید مرتضی میثمی دبیر کمیته ناحیه‌ای تهران و کادر برجسته سازمان در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده زحمتکش و پرجمیت در یک محله قدیمی شهرستان قزوین دیده به جهان گشود. پدر او خانواده‌ها را با درآمد ناچیزی که از تزریق آمپول بدست می‌آمد، اداره می‌کرد. اهالی قزوین به خوبی‌بیاد دارند که چگونه آمپول زن پیر باقامتی خمیده با دوچرخه خود در محلات شهر به نجات بیماران می‌شتافت.

رفیق مرتضی، استقامت، بردباری، تلاش، فداکاری و روح زحمتکش را قبل از همه از پدر آموخت.

رفیق مرتضی در دوران دبیرستان به فعالیت‌های پرشمره‌تری روی آورد و نماینده‌های متعددی را در تئاتر قزوین به نمایش گذاشت که مورد استقبال مردم واقع می‌شد. سپس در دانشگاه اصفهان پذیرفته شد و در آنجا رفیق مرتضی میثمی بزودی از چهره‌های برجسته مبارزات فرهنگی دانشگاه و از فعالان شاخص مبارزات دانشجویی شد.

پس از پایان تحصیلات آموزگار شد. دو سال در شهر میبد آموزگاری کرد. سپس در زادگاهش آموزش دانش‌آموزان را ادامه داد و در زمره بهترین و برجسته‌ترین آموزگاران شهر شد.

رفیق مرتضی در قزوین با رادیکال‌تران در مبارزه علیه رژیم استبدادی شاه به خدمت گرفت و تئاتر روزهای جمعه را به کارگران صنعتی اختصاص داد. رفیق ضمن فعالیت هنری و آموزگاری، کارگاه‌گرانه در میان جامعه معلمان شهر را سازمان داد و در تشکیل آنان تلاش کرد. در نتیجه فعالیت وی و همزمانش کمیته نیرومندی از معلمان مبارز شهر تشکیل شد و رهبری مبارزه جامعه معلمان شهر را به دست گرفت. تحت رهبری این کمیته، اعتصاب فرهنگیان در گرفت که فضای

مبارزاتی شهر را دگرگون کرد و به کانون مبارزه شهر بدل شد. نقش او در سازماندهی ورهبری این اعتصاب بی‌بدیل بود. رفیق در همین زمان گروهی در هواداری سازمان تشکیل داد و به نشر و تبلیغ مواضع سازمان کوشید.

در آذرماه ۵۷ به دستور رهبری سازمان رفیق مرتضی در ایجاب سازمانهای حزبی در قزوین فعالانه شرکت کرد و نقش برجسته داشت. او با تمام قوا در گردآوری و سازماندهی کارگران، معلمان و جوانان تلاش نمود.

با پیروزی انقلاب، کانون مستقل معلمان قزوین را تشکیل داد و در ایجاب دشوراهاى معلمان و دانش‌آموزان نقش تعیین کننده داشت. در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی کمیته مرکزی رفیق را برای نمایندگی مردم قزوین معرفی کرد. علیرغم خرابکاری عوامل ارتجاع و باندهای حزب جمهوری اسلامی، میتینگ انتخاباتی رفیق با استقبال بی نظیر مردم روبرو شد و هزاران نفر برای شنیدن سخنان و رهنمودهای مبارز را اعتبار و پیر آوازه شهرشان گرد آمدند. این اولین بار در شهر قزوین بود که نماینده یک سازمان کمونیستی برای هزاران نفر از اهداف مبارزه و برنامه آن سخن می گفت.

در اوایل سال ۵۹ مرتجعین مهاجر شهر را به دست گرفتند و رفیق را مجبور به ترک زادگاهش کردند.

رفیق در تهران، بدون شغل، مسکن، اندوخته مالی با دو فرزند و وظایف سازمانی خود را به نحو احسن انجام می داد و با کارهای متفرقه مسافرکشی، نقشه کشی، آموزش و پرورش خود را می گذراند. در این شرایط دشوار در رهبری مبارزات معلمان کشور فعالانه شرکت می کرد.

در زمستان سال ۵۹ جلادان اوین او را بازداشت کردند. اما از او هیچ مدرک بدست نیاوردند و در اواسط سال ۶۰ آزاد گردید. پس از آزادی در رهبری سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) مبارزه را ادامه داد.

با حمله ارتجاع به حزب توده ایران و پیگرد رهبری و کادرهای سازمان، رفیق در مسئولیت رهبری یکی از کمیته های ناحیه ای تهران قرار گرفت. در این دوره با کاردانی، هوشیاری، احساس مسئولیت، نیروهای تحت رهبری خود را در مبارزه هدایت می کرد و رهبری سازمان را دقیق و منظم با گزارشات در جریان رویدادها قرار می داد. رفیق در یکی از گزارشات فروردین ماه ۶۳ خود نوشت:

"این وظیفه هر کارمستول و عضو سازمان است که در برابر هرگونه تهدید و جواری عیب از سوی حکومت، دلاورانه، با جسارت کافی و روحیه مقاوم و رزمنده بزمند."

در گزارش اردیبهشت ماه نوشت: "طبقه کارگر تشنه آگاهی است اعلامیه هایی که بمناسبت انتخابات در تعدادی از کارگاهها یا خانهها پست شده اند تا تاثیر بسیار مهمی در آنان داشته و گفته اند اینها"

(فدایان خلق) هنوز وجود دارند.

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان در اردیبهشت ۱۳۳۱ زخمیات و فعالیت رفیق قدردانی کرد و رفیق گزارش خود در این باره نوشت:

"قلبم از این تشویق به لرزه درآمد و انگیزه‌ام برای ادامه مبارزه دوچندان شد."

سرانجام دژخیمان رژیم ترور و اختناق مرتضی را اسیر کردند و به زیر شکنجه کشیدند. آنها نتوانستند بر رفیق مرتضی چیره شوند و از زبان او به زبان مردم و سازمانش چیزی بیابند. پس ددمنشان به انتقام روی آوردند و در مردادماه او را زیر شکنجه به شهادت رساندند.

فدایان خلق از زندگی و رزم و شهادت قهرمانان رفیق خویشتن سرمشق می‌گیرند و به سنت او وفادار می‌مانند.

خاطره تابناک رفیق مرتضی در قلب معلمان شریف ایران، در قلب مردم مبارز قزوین و در قلب همه مبارزینی که او را می‌شناختند همواره زنده است.

پررهروراهشان جاودان یادشان

گرامی باد خاطره رفیق شهید منصور پورجم

شهادت رفیق منصور پورجم که در برجسته و عضو کمیته ایالتی سازمان در خوزستان، جنایت دیگری است که سران خائن به انقلاب حکومت جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش انقلابی مردم ایران به آن مرتکب شدند.

همانطور که در اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان اعلام شده است، دژخیمان اوین که پس از دستگیری رفیق با اعمال انواع شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روانی نتوانستند اراده و عزم خلق نا پذیر روی را درهم شکنند و رفیق را در برابر مقاصدشوم خود به تسلیم بکشانند، با انتقامجویی جنایت بار و ددمنشان، زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها او را به شهادت رساندند. رفیق منصور با ایمان انقلابی‌اش به آرمان سترگ خلقمان و راه پرافتخار و پیروز مناسازمان، قهرمانان دژبرابر دژخیمان جمهوری اسلامی پایداری کرد و چون دیگر یاران حماسه آفرین خود تا آخرین قطره خون و فاداری شورا نگیزش را به خلقمان نشان داد.

رفیق شهید منصور پورجم در سال ۱۳۳۵ بدنیآ آمد. پدرش کارگر پالایشگاه آبادان بود. او اولین درسهای زندگی و مبارزه را در خانه و در محله‌های کارگری آبادان با مشاهده و لمس زندگی و گذران پرازرنج و تلاش و نبرد کارگران فرا گرفت. کار در دسته‌های کوچک تاتری مدرسه و دانشکده نفت آبادان، شرکت فعال در حرکات دانشجویی و فعالیت در محافل سیاسی گامهای نخست او در کار و مبارزه سیاسی بود. رفیق

منصور در سال ۵۵ در نتیجه فعالیت‌های انقلابی دستگیر شد. وی در زندان با روحیه‌ای انقلابی و رزمنده به مبارزه علیه رژیم ضد مردمی شاه ادامه داد. زندان دوره‌ای جدی در آموزش سیاسی او بود. عشق و ایمان عمیق منصور به پیروزی کارگران و زحمتکشان در پشت چهره جوان و پرشور و صمیمانه‌اش، عزم و اراده‌ای استوار برای مبارزه انقلابی را تجلی می‌داد. با اوج‌گیری جنبش انقلابی مردم در سال ۵۷ رفیق از زندان آزاد شد. وی بلافاصله به آبادان رفت و با تشکیل محافلی از کارگران پیشرو به فعالیت انقلابی در میان کارگران و شرکت فعال در مبارزه توده‌ای پرداخته، با همه‌توان خود به نشر و تبلیغ اعلامیه‌ها، مواضع و سیاست‌های سازمان اقدام نمود.

بدنبال پیروزی قیام شکوهمند مردم، رفیق منصور در برپایی ستاد آبادان و در فعالیت‌های مختلف آن، بویژه کمیته کارگری نقشی بسیار موثر داشت. رفیق شبانه روز در تلاش بود. اینجا و آنجا در میان کارگران وتوده مردم، دانش آموزان و دانشجویان، معلمان و دیگر اقشار زحمتکش حاضر بود. او در شکل‌گیری سندیکای کارگران پرورده‌ای آبادان (که با ۱۴ هزار عضو، خواست و نیروی عظیم و شورانگیزی کارگران را در برپایی تشکل کارگری متجلی ساخت) به‌گونه‌ای بسیار فعال نقش داشته و در کار جدی تهیه و تنظیم اساسنامه این سندیکای کارگران پیشرو را یاری می‌داد. در این فاصله‌وی همچنان مسئولیت سازماندهی کارگران تعدادی از واحدهای پالایشگاه و هدایت حرکات کارگری در این واحدها را بر عهده داشت.

رفیق در جریان توطئه هجوم به ستاد سازمان در آبادان دستگیر شد و پس از مدت کوتاهی بازداشت، در حالی که بخشی از وظایف خویش را در آبادان کماکان دنبال می‌کرد، با مسئولیت جدید سازمان فعالیت خود را در احوال آغا ز نمود. در اینجا نیز منصور با عشق و شوری تحسین انگیز فعالیت در واحدهای صنعتی و کار در میان توده‌ها را به پیش می‌برد. رفیق را بخاطر شخصیت و اخلاق انقلابی و فروتنی همیشگی‌اش همه دوست داشتند. او با شایستگی بسیار در سال ۵۹ به عضویت کمیته ایالتی خوزستان درآمد. با انتقال به تهران در سال ۶۰ رفیق منصور در کمیته ایالتی تهران جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) مسئولیت یافت و تجارب غنی خویش را در کار توده‌ای و کار در میان توده جوانان با موفقیت بکار گرفت. دژ خیمان جمهوری اسلامی یک سال پیش در اتوبان کرج رفیق را شناخته و دستگیر می‌کنند. او را بلافاصله به زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها می‌کشند. اما دژ خیمان با همه سفاکی نتوانستند منصور را به زانو در آورند. آنان سرانجام ددمنشانه و در زیر شکنجه‌های وحشیانه رفیق منصور را به شهادت رساندند و بدین ترتیب عملاً جنايتکار ارتجاع و سرمایه‌داری یکی دیگر از فرزندان ایثارگر خلق را از میان ما ربوده و ددمنشانه به خاک و خون کشیدند. اما ایمان شورا نگیز رفیق منصور به حقیقت و پیروزمندی آرمان‌های والای کمونیستی،

سخت کوشی، فداکاری و شکیبایی وی در مبارزه انقلابی و شهادت
قهرمانانه اش دریادهمه همزمانش جاودان مانده و همواره سرمشق
خواهد بود.

پر رهرو راه او جاودان یاد او

* * *

اعدام رفیق صابراحمدیان بدست سرکوبگران جمهوری اسلامی



رفیق صابراحمدیان عضو فعال سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سراب
سه از مدت‌ها پیش بازداشت شده بود، پس
از شکنجه‌های بسیار روحی و جسمی به
دست دژخیمان جمهوری اسلامی مخفیانه
و ددمن‌شانه اعدام شد. سرکوبگران جسد
رفیق را خارج از گورستان محل و در
جایی دور افتاده زیر خاک پنهان کردند.
اما مردم جای دفن شهید را یافتند و
یاد وی را که برای افراد مجل شناخته
شده و محبوب بود، گرامی داشتند.

در مدت بازجویی شکنجه‌گران از رفیق صابراحمدیان می‌خواستند تا
دفاع از آرمان و سیاست سازمان خود را ترک کند و با آنها همکاری کند.
اما او نیز همچون هم‌زمان خویش که دزدانهای سراسر شهرهای ایران
زیر فشار شکنجه هستند با ایستادگی خود دشمنان را تحقیر کرد. او بار
دیگر اثبات نمود این سرکوبگران و دژخیمان هستند که همواره برای
تجارت بر سر عقیده و مرام و هدف خود آماده‌اند. دژخیمان جمهوری
اسلامی او را ددمن‌شانه‌گشتند، چون بر همه ادعاهای آنان داغ ننگ
و نفرت زد و آنچه‌ان که در خورشکنجه‌گران مردم است، آنان را خوار
کرد.

خاطره رفیق شهید صابراحمدیان همراه با خاطره هزاران شهید
خلق از نوجوانان دوازده ساله تا مادران سالخورده هفتادساله که
در چنگال دژخیمان جمهوری اسلامی شکنجه شدند و به شهادت رسیدند،
همواره در قلب مردم زنده خواهد ماند و خوشم و نفرت آنان را علی‌ه
دشمنان نشان فروران تر خواهد ساخت.
گرامی باد خاطره رفیق شهید صابراحمدیان.

گرامی باد خاطره شهدای توده‌ای

تعداد بیشماری از فرزندان انقلابی میهن ما که در صفوف حزب توده ایران به پیکار انقلابی مشغول بودند طی سال گذشته به جرم دفاع از زحمتکشان و آرمان آنها به جوخه اعدام سپرده شدند و یا در زیر شکنجه‌های ددمنشان جنایتکاران در زندانهای جمهوری اسلامی شهید گردیدند. ما یاد و خاطره این عزیزان را گرامی می‌داریم و به همراه همه انقلابیون و مردم آزاده ایران و جهان خشم و نفرت خود را از این جنایتها اعلام می‌داریم.

روزنامه مردم ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران در شماره ۲۳ اعلام داشت: "بعد از اعدام ده نفر از اعضای حزب توده ایران در زمستان پیش، اخیراً رفیق عظیم محقق در تبریز و رفیق صالح امیرافشار (همراه مجاهد خلق شاهپور فدائی نیا) در اهواز به جوخه‌های مرگ سپرده شدند. علاوه بر آن شایعه اعدام تعداد دیگری از رفقای ما نیز وجود دارد. به این جمع با یدرفقا حسن حسین پور تبریزی، محسن علوی (عضو کمیته مرکزی)، مرتضی باباخانی و همچنین رفیق ۲۳ ساله ما عادل رام‌رافزود که زیر شکنجه به شهادت رسیده‌اند. عادل رام تنها چند روز پس از دستگیری در اثر مقاومت قهرمانانه در شکنجه‌گاه بندر ترکمن به قتل رسید." "نامه مردم" در شماره ۲۵ و ۲۹ خود نیز خبر از اعدام دو توده‌ای دیگر دارد رفقا علی شنابایی و غلامحسین قناعتی

گرامی باد خاطره شهدای به خون خفته خلق

* * *

ناخدا افضلی و یاران اعدام شدند

با مدد ۶۲ سفند، گروهی از شریف‌ترین و خدمتگذارترین فرزندان خلق، افسرانی که جان برکف از استقلال میهن و آزادی مردم دفاع می‌کردند، به جرم توده‌ای بودن و به دلیل عشق به توده‌ها اعدام شدند. خبر اعدام این افسران انقلابی و میهن پرست موجب خشم و نفرت همه مردم آزاده جهان و کلیه بشریت ترقیخواه گشت. اعدام این میهن پرستان، تلاشی است که برای تهی کردن ارتش از عناصر انقلابی و بازگذاشتن دست افسران ارتجاعی و سلطنت طلب و طرفدار امپریالیسم صورت گرفته است. افسرانی که به جوخه

اعدام سپرده شدند از همان ایام جوانی آگاهانه راه خدمت به مردم را انتخاب کردند و در طول خدمت خود در ارتش، بیشترین و موثرترین اقدامات را به نفع انقلاب و در راه دفاع از استقلال ملی و یکپارچگی میهن، انجام دادند.

مردم مادر اوج مبارزات خود علیه رژیم دیکتاتوری شاه دیدند که چگونه عده کثیری از ارتشیان، فرمان آتش فرماندهان سرسپرده ای از قماش خسرو دادها و ناجی ها را نقض کردند و با پیوستن به صفوف مردم سینه فرماندهان مزدور را آماج گلوله های خود قرار دادند. حضور چنین نیروی مردمی در ارتش، نقش برجسته ای در سقوط پادگانها و تصرف کامل مراکز سرکوب شاه داشت. میهن پرستانسی همچون این افسران شهید، توطئه کودتا های خونین بسیاری را از طرف افسران سلطنت طلب چه در دوره انقلاب و چه بعد از پیروزی انقلاب فاش و خنثی ساختند. همراهی انقلابی سلحشوران میهن پرست در ارتش با رزم پرشکوه مردم ما، عامل مهمی در سرنگونی رژیم خودکامه شاه بود. انگیزه اصلی این جانبازان در ارتشیان مردم دوست ما همانگونه که افسران شهید توده ای در بیدادگاه بیان داشته اند، پایان بخشیدن به نظام جور و ستم شاهی و تلاش برای بهروزی و سعادت محرومان میهن ما بوده است. نا خدا بهرام افضلی که زندگی و مرگی شرافتمندان را برگزید، در دفاع از آرمان انقلابی خود می گوید: " هدفم فقط خدمت بود... در رژیم گذشته، با پوست و گوشت و استخوان خودم فساد، ظلم، جور و محرومیت را در جامعه ایران احساس کردم...". مردم مادر طول مبارزات خود اولین بار نیست که شاهد چنین جانبازیایی از جانب افسران توده ای هستند. خاطره تابناک پایمردیهای افسرانی چون روزبه قهرمان ملی ایران هنوز به قوت در یاد مردم ما باقیست....

حکومت بر آن است تا با توسل به سیاست شلاق، زندان و اعدام در مورد نظامیان، اطاعت کورکورانه را به ارتش بازگرداند. راه رشد افکار انقلابی را در میان ارتشیان ببیند. اما مردم دوستی، ترقیخواهی و میهن پرستی راه خود را در صفوف نظامیان بازمی کند. امروز و فردا و فرداهای دیگر، با زهم روزبه ها از ارتش سر بر می آورند. همه نظامیانی که قلبشان با مردم است خاطره این افسران میهن پرست را، فراموش نمی کنند، بلکه از دهانی به دهانی دیگر با زگومی کنند. اندیشه ای را به، اندیشه ای پیوند می زنند، با زمینه سپرمی کنند، می رزمند و صدها صدف چون افسران شهید تقدیم خلق می کنند. راه رزم آوران و قهرمانان پر رهرو خواهد ماند. مردم حرمت فرزندان نظامی خود را پاس می دارند و نوا م افسران شهید را در کنار اربابان قدیمشان در قلب خود جای خواهند داد.

کشتار زندانیان سرشناس سیاسی رژیم شاه در جمهوری اسلامی

بیست و یکم اردیبهشت ماه ، سالروز شهادت خسرو روزه ، قهرمان ملی کشور ما و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران ، روز زندانیان سیاسی ایران است . ما در این روز از ایستادگی و ایثار انقلابیون و تجلیل می کنیم که در زندانها و شکنجه گاهای مرتجعین ، در بدترین شرایط سهم خویش را در مبارزه مردم کشورشان ادا می کنند . آنها از هر حزب و سازمان که باشند فرزندان گرامی خلق خود هستند ، اغلب از انقلابیون سرشناس و آزموده کشور ما ، بخشی از عمر خود را در زندانهای رژیم شاه بسر بردند . امروز هم هزاران انقلابی عمر خود را در سیاهچالهای مرتجعین حاکم سپری می کنند . بسیاری از زندانیان سیاسی رژیم شاه امروز در زندانهای جمهوری اسلامی اسیرند و با به دست رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیده اند . این یکی از سیاه ترین و رسواترین جنایتها و تبهکاریهای حکومت است . کسانی را که خلق به دست خود از بند رژیم شاه آزاد کرده بود ، جمهوری اسلامی دیگر بار به بند کشیده و با نا جوانمردانه به شهادت می رساند . سعید سلطانیور (چریک فدایی - هنرمند و شاعر انقلابی) - سیامک اسدیان (چریک فدایی) - منصور اسکندری (چریک فدایی) - احمد غلامیان لنگرودی (چریک فدایی) - محسن مدیترشانه چی (چریک فدایی) - توکل اسدیان (چریک فدایی) - قاسم سید باقری (چریک فدایی) - اصغر الجزایری (چریک فدایی) - عبدالرحیم صبوری (چریک فدایی) - مهران شهاب الدین (راه کارگر) - نورالدین ریاحی و همسرش (راه کارگر) - چنگیز احمدی و همسرش (راه کارگر) - علی شکوهی (راه کارگر) - علی مهدی زاده (راه کارگر) - روزه گلی آبکناری (راه کارگر) - علیرضا تشید (راه کارگر) - غلام ابراهیم زاده (راه کارگر) - حسن اردین (راه کارگر) - جبرئیل هاشمی (راه کارگر) - بهروز سلیمانی - محمد علی پرتوی - شکرالله پاک نژاد - موسی خیابانی (مجاهد) - اشرف ربیعی (مجاهد) - محمدرضا سعادت (مجاهد) - قاسم باقرزاده (مجاهد) - محمدرضا ضابطی (مجاهد) - معصومه شادمانی (مجاهد) - حمید جلال زاده (مجاهد) - فضل الله تدین (مجاهد) - محمد مصباح (مجاهد) - محمد علی پورمسئله گو (مجاهد) - محمد جباری (مجاهد) - علی اصغر محکمی (مجاهد) - احمد شادبختی (مجاهد) - جواد زنجیره فروش (مجاهد) - حسین جنتی (مجاهد) - حمید خادمانی (مجاهد) که از رهبران و مسئولان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ، راه کارگر و مجاهدین بودند از جمله چهره های سرشناس

ومبارزی هستند که در سالهای اوج خفقان رژیم ستم شاهی، علیه دیکتاتوری و امپریالیسم بپا خاستند و با آرمانهای خدمت به خلق و تامین بهروزی و سعادت زحمتکشان قدم در راه مبارزه گذاشتند و به باروری و پیشرفت جنبش انقلابی ملی کمک کردند. اکثر این مبارزین در اوایل دهه پنجاه دستگیر شده و تحت شکنجه های شدید دژخیمان قرار گرفتند. این مبارزین راه استقلال و آزادی، دربیدادگاههای نظامی با مبارزات و عقاید خود ماهیت ارتجاعی رژیم وابسته به امپریالیسم را برملا کردند.

در سالهای شدید سیاست ترور و اختناق توسط ساواک، این مبارزین سرشناس به همراه سایر زندانیان در فعلیتهای درون زندان، در اعتراضات و اعتصابات غذای و غذا شرکت جستند و به حفظ جو مقاومت و ارتقاء روحیه مبارزاتی کمک نمودند.

ایستادگی و پایداری زندانیان سیاسی تاثیرات معینی بر جنبش روبه گسترش مردم میهن مادر سالهای قبل از انقلاب داشت. مردم ماکه در چهره زندانیان سیاسی، پیشگامان خود را می دیدند، یکپارچه شعار آزادی زندانیان سیاسی را بانگ زدند و رژیم جبار شاه را وادار کردند که در زندانها را بگشاید و اسیران را آزاد سازد. استقبال شور آفرین مردم از زندانیان سیاسی آزاد شده نشانه بارز تجلیل از پایداری آنان در مقابل حکومت خودکامه شاه بود.

* * *

شهادت یوسف الیاری، عبدالحمید روشنفکر و پرویز جهانبخش تجلی نفرت بارقه کاری های ارتجاع حاکم

نشریه راه کارگر، ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران گزارش داد که سه تن از زندانیان مبارز و سرشناس رژیم شاه و از اعضای این سازمان، همزمان یوسف آل یاری، عبدالحمید روشنفکر و پرویز جهانبخش، پس از شکنجه های طولانی در سیاهچالهای رژیم اعدام شده اند. این خبر همه انقلابیون، بویژه کسانی را که در سالهای دشوار پیکار علیه رژیم شاه و در شکنجه گاهها و زندانهای محمدرضا شاهی با سیمای صمیمی و انقلابی این شهدا آشنا گشته اند، عمیقاً متأثر ساخته است. یوسف آل یاری، عبدالحمید روشنفکر و پرویز جهانبخش از انقلاب بیون پاکبختی بودند که سالها زیر فشار جلادان ساواک قرار داشتند.

آنان با مقاومت و مبارزه شجاعانه خود علیه رژیم ستم شاهی صادقانه سهم خود را در جنبش انقلابی مردم ایران ایفا کردند. آنها هنگامیکه به دست دژخیمان جمهوری اسلامی شکنجه و اعدام می شدند

داغ شکنجه‌های شکنجه‌گران رژیم پهلوی را همچون مدال افتخار برپیکر خود داشتند.

کشتار جنایتکارانه این فرزندان انقلابی خلق که به دلیل هراس ارتجاع حاکم از آرمانهای انقلابی آنان وبمنظور درهم شکستن مقاومت قهرمانانه انقلابیون میهن‌پرستان صورت می‌گیرد میشا زبیش خشم تمامی انقلابیون میهن ما را برافروخته وانزجار توده‌ها را از حکام جنایتکار رژیم دامن می‌زند.

سردمداران جمهوری اسلامی ایران وحشیانه وزبوانه هر روز به جنایات بیش‌مانه تری روی می‌آورند. طی ماههای اخیر در پس‌جا رو جنجالهای مختلف درباره رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی بسیاری از انقلابیون ومبارزین در زیر شکنجه‌های دژخیمان اوین به شهادت رسیده ویا اعدام گردیده‌اند. طبق اطلاعیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران اعدامها گروهی زندانیان مجاهد در زندانهای مختلف رژیم همچنان بشدت ادامه داشته است. ارتجاع حاکم در منتهای زبونی حتی جرئت اعلام این اعدامها را نیز ندارد.

ارتجاع با این خونریزیها نه تنها به‌آمال خود برای خفه کردن جنبش دست نیافته، بلکه شراره خشم ونفرت مردم را با این جنایات بس شعله‌ورتر ساخته است. ارتجاع با کشتار انقلابیون راهی جز راه دوزخ ونیستی نمی‌پیماید.

www.iran-archive.com

آه ای مادر! پی گورم مگرد
نقش خون دارد نشان گور مرد!
آن شقایق رسته در دامن دشت
گوش کن تا با تو گوید سرگذشت
ابر آن باران که برصحرای گریست
با تو می گوید که این گرینده کیست
گر نه کامی از جوانی رانده ام
با جوانان چون جوانی مانده ام
نغمه ناخوانده را دادم به رود
تا بخواند با جوانان این سرود
چشمه ای در کوه می جوشد: منم
کز درون سنگ بیرون می زنم!
آذرخش از سینه من روشن است
تندر توفنده فریاد من است
هرکجا مشتی گره شد: مشت من!
زخمی هر تازیانه: پشت من!
هرکجا فریاد آزادی: منم!
من در این فریادها دم می زنم...

قسمتی از "چشمه در خورشید" سروده ه.ا. سایه

رژیم انقلابیون را شکنجه می‌دهد تا مگر با نمایشهای
وقیحانه تلویزیونی پرده‌ای بر رسوایی‌ها و مکنتهای خود بکشد
و علیه احزاب و سازمانهای انقلابی، مردم فریبی کند. اما خونهایی
که از چنگال جلادان رژیم فقط می‌تواند رسوایی خود را به نمایش
بگذارد، محاکمه انقلابیون در بیدادگاههای جمهوری اسلامی، محاکمه
خود رژیم است و کشتار انقلابیون خودکشی آن است.
شهیدان خلق: یوسف‌کشی‌زاده، نریمینا و توماج، سعید
سلطان‌پور، سیامک اسدیان و منظور اسکندری، حسین پور تبریزی
و ناخدا افضل، خیابانی و سعادت، مهربان شهاب‌الدین و
نورالدین ریاحی، بهروز سلیمانی، کاک اقبال کریم نژاد و کاک
عبداله بهرامی، و هزاران سیمای پاک و تابناک جنبش انقلابی که
در زندان‌ها و شکنجه‌گاهها و در برابر جوخه‌های اعدام رژیم جان
دادند، همچنان نگاه رزمجو و پرکین خود را بر چشم ارتجاع
دوخته اند.

بازجویی

از همان لحظه اول که تیم‌های شکار، انقلابیون و میهن پرستان را دستگیر می‌کنند، برنامه فریب و ایجاد ترس و مانورها و نیرنگ‌های گوناگون برای درهم شکستن روحیه و مقاومت آنها شروع می‌شود. تیم شکار که از مثنی لمپن با ظواهر و ماسک‌های مختلف تشکیل می‌شود، معمولاً در حین دستگیری کتک مفصلی به مبارزین می‌زنند و از همان اول شروع می‌کنند به اینکه، اسلحه‌ات کو، در هفته گذشته چندتا ترور داشتی یا این بلوفها که گویا عضو کمیته مرکزی هستی، اطلاعات فراوانی داری، مسئول تشکیلات کردستان بودی و از این قبیل ... در واقع طرف را به مرگ می‌گیرند تا به تب راضی شود. در حین این بگو و مگوها یکی پیدا می‌شود که قیافه آدمی مخالف با دیگران را می‌گیرد و یواشکی در گوش فرد با زدا شتی می‌گوید "برادر من اینها را می‌شناسم به صغیر و کبیر رحم نمی‌کنند، خدا و پیغمبر نمی‌شناسند، به جوانی خودت رحم کن و به ترتیبی خودت را از شر آنها خلاص کن، خدا شاهد است نمی‌توانی از زیر شکنجه‌های این فلان، فلان شده‌ها سالم بیرون بیایی. از ما گفتن" البته این حرفها زیرگوشی و ظاهراً دور از چشم دیگران زده می‌شود، پس از تحویل زندانی به زندان برنامه‌ها و مانورها، بلوف زنی‌ها و تضعیف روحیه‌ها تشدید می‌شود، مثلاً طرف را به یک سلول می‌فرستند و ساعتی بعد فردی می‌آید و می‌پرسد، اسمت چیه؟ تا زندانی اسم خودش را می‌گوید طرف شروع می‌کند به فحاشی و داد می‌زند این را چرا آوردید به سلول ببرید! آنقدر بزیندش تا بمیره، این آدم خطرناکیه، چندتا ترور داره از آدمهای خیلی مهم فلان گروه، رابط چند ساله با همدیگر بوده و ... از این حرفها، زندانی را بلافاصله به اتاق شکنجه می‌برند و او را مفصلی زنند، بار اول سعی می‌کنند از انواع و اقسام شکنجه‌ها استفاده کنند و طرف را به زانو در آورند، در حین شکنجه‌های جور و اجوری می‌آیند و سومی زنند و می‌گویند خوب گرفتندش، تبریکه تبریک، این باید حداقل اسم صد نفر آدم تشکیلاتی را بدانند و لش نکنید، از یکیش هم نباید گذشت، معمولاً سعی می‌کنند در اولین دور شکنجه مبارزین را بشکنند، چون خوب می‌دانند که تحمل شکنجه‌ها در بار اول با ردهوم و ... مرتباً روحیه مقاومت را در مبارزین شکل می‌دهد و تقویت می‌کند. پس از چند ساعتی شکنجه طرف را اگر حالی داشته باشد به اتاق بازجویی می‌برند و شروع به بازجویی می‌کنند، در بازجویی بازجوهای یک تیم بر اساس وابستگی گروهی و ایدئولوژیک زندانی او را بازجویی می‌کنند، این چند نفر که یکی دو نفر از آنها بازجوی اصلی هستند هر کدام روشی را روی با زدا شتی امتحان می‌کنند، یکی خودش را یک مسلمان دو آتشه که فقط برای خدا و پیغمبر کار می‌کند و از

و توطئه‌های مزورانه گوناگون دژخیمان گاه چندین ماه طول می‌کشد. استقامت و پایداری زندانی تنها و تنها نقطه پایان این روزهاست. دشوار آزمایش است. هر جمله اضافی که به دژخیم گفته شود او را رتر می‌کند، مبارزین در زندانهای رژیم این راصدها و هزارها با تجربه کرده‌اند و خوب می‌دانند، تجربه رفقای بیشماری که سرافرازانه بر دسائس زبونا نه با زجوها، با هوشیاری، روحیه و استقامت پیروز شده‌اند نشان می‌دهد که زندانیان باید در دوران بازجویی در مقابل روشهای روحیه شکن دژخیمان به شیوه‌های مختلف روحیه مقاومت را در خود تقویت کنند و با فکریه مردم و به سازمان خود، با تجدید خاطرات رفقا و دوستان مبارز خود، با یاد انقلابیونی که مقاومت کردند و اعدا م شدند، با اندیشیدن به تبهکاریهای رژیم و برانگیختن خشم و نفرت و احساس تحقیر خود نسبت به دژخیمان خود را بیش از پیش تقویت کنند. با هوشیاری در مورد هر کلمه‌ای که می‌گویند فکر کنند تا بلوف نخورند و سرنخی به دشمن ندهند، به هیچ کس در هنگام بازجویی نباید اعتماد کرد، هیچ حرفی را نباید به دشمن گفت، باید با مقاومت منتظر بود تا با زجوها مجبور شود تا اطلاعات کلیدی خود را (چنانکه داشته باشد) رو کند. دیگران به او اعتماد ندارند و او را آدم ضعیفی می‌پندارند، این امر برای انقلابیون مقاومت سنگین است، ولی باید آگاهانه تحمل کرد. برخی اوقات آنها می‌خواهند اسیران را خام کنند تا اقدامات انقلابی خود را شرح دهد، باید خیلی هوشیار بود.

مبارزه در زندان ادامه مبارزه در بیرون و در میان توده‌هاست، استقامت و پایداری، هوشیاری و آگاهی نسبت به روشها و جنایات دژخیمان و آماده بودن برای گذراندن دوران سخت بازجویی، به انقلابیون کمک خواهد کرد تا از زیر فشارهای شکنجه‌گران سرافراز بیرون آیند، باید آگاه بود که مقاومت فرد در زندانیان، روحیه مقاومت را بالایی برد، گسترش مقاومت در زندانها، رژیم را درمانده و مایوس می‌سازد و مبارزه مردم و پیشاهنگان آنها را تقویت می‌کند.

"سرود سرخ ما، سرود کوبنده کارگران، دیوارهای سکوت را فرو می‌کوبد و پهنای ایران را فرامی‌گیرد، چرا که ما به دیدار زندگی از دیوارهای مرگ می‌گذریم و در ژرفای ظلمت بذر آفتاب می‌کاریم و به سوی پیروزی، به سوی آزادی و بهروزی، به سوی روز نو و جشن نوروزی پیش می‌رویم."

"از پیام پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران"

جلوه‌هایی از پایداری قهرمانانه زندانیان

علیرغم جنایات بی‌شمار در زندان‌ها، مقاومت زندانیان سیاسی روز بروز شدت بیشتری می‌گیرد، انقلابیون مشکلات زندان را با پایداری و مقاومت کم نظیری تحمل می‌کنند، آنها وجود خویش را فدای عشق و آرمان‌شان کرده‌اند، دژخیمان اوین هر روز با مقاومت بیشتری مواجه می‌شوند، آنها می‌کوشند تا با ایجاد محدودیت‌های بازهم بیشتر، امکان مقاومت را از فرزندان خلق بگیرند، شکنجه‌گران اوین خصوصاً می‌کوشند تا مقاومت‌مترین زندانیان را از تازه‌واردها جدا کنند تا از گسترش بیشتر جو مقاومت جلوگیری کنند.

مبارزان اکثر از نظر جسمانی ضعیف‌اند، هر کسی از دردی رنج می‌برد، هیچ‌کس به فکر معالجه آنها نیست و تحمل شکنجه‌های طولانی روحی و جسمی سلامت آنها را شدیداً به مخاطره انداخته است، اما رفقا آموخته‌اند که تنها و تنها در راه روی دردهای آنها تحمل و صبر است، آنها آگاهانه مقاومت را برگزیده‌اند و همه چیز را به جان خریدند و با غرور و افتخار این دشواریها را تحمل می‌کنند، هر زندانی مبارزی کوشش می‌کند سربلای رفیق خود باشد، میزان فداکاری و روحیه جمعی بالا و تحسین برانگیز است. هر چند کمبودها جدی است، گرسنگی عمومی است، دارو نیست و بهداشت وضع آشفناکی دارد، سیگار بسیار کم است، لباس گرم محدود است ولی علیرغم اینها هر اسیر انقلابی به نفع رفیق و دوست دیگر از استفاده از آنها صرف نظر می‌کند، زندانیان کوشش می‌کنند زندانیان را بر سر این مسایل با هم درگیر کنند و فضای زندان را غیر سیاسی نمایند، اختلاف بی‌اندازند و مقاومت را کاهش دهند، ولی علیرغم این دشواریها میزان فداکاری و افزایش روحیه همکاری در کل زندان تلاش‌های دژخیمان و ما موران و فریب خوردگان رژیم را خنثی می‌سازد.

یک بار در حین بازرسی‌های متداول که هر ماه صورت می‌گیرد مزدوران با قطعه شعری که یکی از زندانیان سروده بود و روی قطعه کاغذی نوشته شده بود، مواجه می‌شوند، پاسداران و بازجوها برای یافتن گوینده شعردست به کار می‌شوند و مبارزین را به صف کرده تهدید می‌کنند، تهدیدها نتیجه نمی‌دهد، همه افراد اتاق را در سر می‌بهرن ماه به حیاط می‌برند و مدتی نگه می‌دارند، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، آنها را به حمام برده و لخت می‌کنند و شیر آب سرد و هواکش حمام را باز می‌کنند، ولی نتیجه‌ای نمی‌گیرند، علیرغم اینکه همه آنها گوینده شعر را می‌شناختند هیچ کس حاضر نشد لب باز کند، سرانجام مزدوران خسته شدند و زندانیان را به بندبازگرداندند و هوا خوری آنها را یک ماه قطع کردند، به دنبال این ماجرا ۱۵ نفر از رفقا سخت‌مریض شدند و مدت‌ها

در بستر خوابیدند ولی به دلیل مقاومت در مقابل دژخیمان همه شاد و خندان بودند.

یکی از رفقا که یک سال ونیم پیش مدت محکومیت او تمام شده است، به دلیل اینکه یک روز در حسینیه اوین از لاجوردی پرسیده بود که "با خود خمینی دربار ریس مکه نگفت عقیده در جمهوری اسلامی آزاد است، پس آن وعده ها چه شد؟" الان یک سال ونیم است که اضافی در زندان مانده و "ملی کشی" می کند. لاجوردی جلاد در آن روز به رفیق گفت: "اولا امام دربار ریس تبلیغ می کرد، در ثانی ما به آزادی اعتقاد داریم وبه همین دلیل خود را آزادمی دانیم که شماها را سرکوب کنیم." به میزانی که جو مقاومت در زندان بالا رفت، آزادی مبارزین به تعویق افتاد، نگهداری زندانیان پس از خاتمه مدت محکومیتی که دادگاههای کذایی تعیین کرده اند، روالی عادی است. رژیم حتی به احکام دادگاههای فرمایشی وقرون وسطایی خود که بر اساس شکنجه های غیر انسانی و پورنده سازیهای تبه کارانه صادر می شود پابند نیست و از آزادی یک انقلابی و مبارز وحشت دارد.

رفقای زندانی در اتاقهای خود برنا مه ریزی دارند و هر کس تخصصی دارد ویافنی بلد است به دیگران می آموزد. مبارزین در اتاقها مخفیانه شعر خوانی می کنند و یار روزهای خاصی را به سبک سلول جشن می گیرند. اگر از این برنا مه ها نگهبانان مطلع شوند واکنش آنها وحشیانه و سخت است ولی برای مبارزین در زندانها داشتن برنا مه و پیشبرد آموزش متناسب با شرایط امری ضروریست و به این دلیل "تعزیز" را به جان می خرند.

اکنون رفقای زندانی از طریق مسئولان اتاقها نسبت به امور صنفی زندان به زندانبانان اعتراض می کنند، در رابطه با کمبود غذا، دارو، بهداشت، هوا خوری وغیره مسایل را طرح می کنند و پیگیری می کنند. قبلا مقاومت بیشتر به صورت مقاومت منفی بود و امکان طرح مسایل و خواسته های ابتدایی وجود نداشته اکنون روحیه ها تعرضی است. دژخیمان معمولاً در مقابل خواسته های صنفی زندانیان لال می شوند ولی به گونه دیگری واکنش نشان می دهند و با بهانه های ردیلا نسه دیگر آنها را می آزارند.

علیرغم جنایات بی شمار و فشارهای گوناگون، همپای رشد و گسترش مبارزات توده ها علیه ارتجاع حاکم مقاومت و مبارزه در زندانها نیز گسترش بیش از پیش می یابد. ارتجاع نتوانست و نمی تواند زندان را به دلخواه خود بگرداند و جلوی مبارزه و مقاومت در زندانها را بگیرد. فرزندان انقلابی و مبارز مردم میهن ما در سخت ترین شرایط مبارزه علیه ارتجاع حاکم راهی می گیرند و یک لحظه خاموش نخواهند شد.

خانواده‌های زندانیان سیاسی، نیروی مؤثر علیه ارتجاع

در جمهوری اسلامی خانواده‌های زندانیان سیاسی نیز از جنایات رژیم در امان نیستند. دژخیمان به‌عناوین مختلف آنها را می‌آزارند و گاه به‌عبث کوشش می‌کنند آنان را به‌عامل فشار به‌فرزندانشان مبدل سازند. دستگیری، شکنجه و محکومیت، از دست دادن شغل و تصاحب اموال خانواده‌های زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی از امور "طبیعی" است که هم‌روزه خانواده مبارزین در بندیان دست‌بگیرها نند. ولی علی‌رغم ددمنشی‌های ارتجاع حاکم، آنها آرزوهای انسانی و شریف فرزندان خود را پاس می‌دارند و به‌حقانیت راه‌عزیزانشان که بر علیه محرومیت و استبداد و برای آزادی مردم میهن خود بپا خاسته‌اند تردید نمی‌کنند.

اکنون خانواده‌های زندانیان سیاسی بیش از هر زمان به‌نقش ارزشمند خود در حمایت از فرزندان خویش و افشای جنایات رژیم در زندانها آشنا شده‌به‌طریق گوناگون دژخیمان را افشاء و رسوا می‌سازند، آنها که از طریق فرزندان نشان در جریان واقعیات زندانهای رژیم قرار می‌گیرند، مردم آزاده ایران را از این وحشیگریها آگاه می‌کنند و آنان برای اعتراض به‌شکنجه و شکنج رمان در بند و آزادی دهها هزار زندانی سیاسی ایران یاری می‌طلبند.

خانواده‌های مبارزین در بند امروزه در میهن ما یک نیروی قابل ملاحظه و مورد احترام مردمند. آنها با چنین موقعیتی قادرند نقش ارزشمندی در آگاه کردن مردم و توضیح خیانت‌های حکام جمهوری اسلامی به انقلاب و معرفی کاروبیکار سازمانهای انقلابی بازی کنند. خانواده‌های زندانیان سیاسی با یدارتباط خود را بیش از پیش گسترش دهند و مشکلات و مسایلی یکدیگر مطلع شوند، بیش از پیش دریاری و همکاری با هم بکوشند و بطور جمعی مسایل مشترک فرزندان نشان را پیگیری نمایند.

در شرایطی که رژیم به‌اعدامهای مخفیانه، شکنجه‌های جسمی و روانی وحشیانه و بی سابقه‌ترین تزییقات علیه زندانیان سیاسی متوسل شده است، اتحاد و یگانگی هرچه بیشتر خانواده‌های مبارزین در بند و اقدامات مشترک آنها، برای جلوگیری از اعدامهای جنایتکارانه و محکومیت‌های سنگین و بی دلیل زندانیان سیاسی، برای جلوگیری از شکنجه و آزار زندانیان سیاسی و آگاهی از سرنوشت فرزندان نشان، برای بهبود شرایط زندان و ملاقات و غیره به‌طریق گوناگون امری ضرور و لازم است و تا ثیرات قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت. مبارزین انقلابی با یدبه‌نقش با اهمیت خانواده‌های زندانیان سیاسی

توجه داشته باشند و در سا زماندهی و متشکل ساختن آنها از هیچ کوششی
فروگذار ننمایند .

قسمتی از "پیام" سروده سیاوش کسرای

...
به وطن نگاه کنید!
به قفس پرندگان سیا هپوش
که نوکهای خونین دارند .
به خاکش نگاه کنید!
که غبار سرخ لاله‌ها از آن برمیخزد .
به جاده‌هایش که در آن
کاروان‌های فقر و آوارگی موج میزند .
و آسمانش
که ابر خشم بر آن گروه می‌بندد .
گوش بداریدش!
صدای مویه است
صدای شلاق‌هاست که آنی نمی‌برد
صدای سرودها و رگبارها
و این آتش و دود و دود و دود
و بوی سوختگی که از مرزهایش بر میشود
کماندان را
و کمین‌کردگان را بر جانش ببینید!
و چنبرهٔ دام را
که هر دم بیشتر بر او تنگی می‌کند
....

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به جهانیان

درباره زندانیان سیاسی ایران

مردم آزاده جهان !

میهن ما ایران روزگاری رسخت و دشواری را می گذراند. حکومت جمهوری اسلامی، همه آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی را پایمال کرده و رژیم ترور و خفقان را به کشور ما تحمیل کرده است. مبارزات مردم میهن ما در راه صلح و آزادی و تامین حقوق خویش با سرکوب خونین و فزاینده روبروست.

سازمانهای ترقیخواه ایران، که در راه آزادی و بهروزی مردم ایران پیکار می کنند، آماج پیگرد و سرکوب فاشیستی هستند. رژیم جمهوری اسلامی، با زیرپا گذاشتن همه حقوق اجتماعی و بشری مردم، مخالفین ترقیخواه خویش را پیشاپیش به مرگ محکوم کرده است. دهها هزار تن از شریفترین فرزندان میهن ما، به اتهام وفاداری به میهن و مردم خویش، به اتهام دفاع از حقوق انسانی و بشری و مبارزه در راه آرمانهای والای مردم، در زندانها و شکنجهگاهها بسر می برند.

زندانیان سیاسی ایران از هرگونه حقوقی بهره اندوهیچ قانونی در حمایت از آنها پذیرفته نمی شود. زندانیان سیاسی ایران حتی آن دسته از زندانیان که مدتها پیش محاکمه و به زندان محکوم گشته اند، همواره آماج خطر مرگ قرار دارند. هرآنچه ممکن است حتی در نتیجه انتقامجویی ما مورین زندان در برابر جوخه اعدام قرار گیرند. زندانیان سیاسی در بیدادگاههایی محاکمه می شوند که در آنها هیچ قانون و ضابطه ای جز "اذن حاکم شرع" یعنی همان افسراد قسی القلب و بی فرهنگ و کین توزی که از سوی رژیم به سمت قاضی منسوب می شوند وجود ندارد. محاکمات مخفی است. متهمین حقوق گزینش و کیل و امکان و فرصت دفاع از خود را ندارند.

در زندانها و شکنجهگاهها، زندانیان را با وسایل و شیوه های قرون وسطایی شکنجه جسمی و روانی می کنند. زندانیان را تا حد مرگ تازیانه می زنند. آنها را از دست و از پایه سقف شکنجهگاهها آویزان می کنند، استخوانهای آنان را می شکنند، روزهای متوالی به آنها بی خوابی می دهند، وسایل مدرن شکنجه روی آنها آزمایش می شود.

زندانیان را به تماشای اعدام هم زنجیران خود می برند و از آنان می خواهند که حکم را اجرا کنند.

عمال رژیم در زندانها می کوشند زندانیان را با شکنجه و ارباب

به تسلیم وادارندو آنان را به اقرار به گناهای وادارند که هرگز مرتکب نشده اند. رژیم تلاش دارد زندانیان سیاسی را به مصاحبه های تلویزیونی وادار سازد و شخصیت و حیثیت و سوابق و خدمات آنان به مردم و میهن را بی اعتبار و لکه دار سازد.

مردم آزاده جهان !

اعتراض و مبارزه شما علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی، در حمایت و تقویت مبارزه مردم میهن ما و افشاء سیمای مستبدین حاکم بر ایران بسیار موثر بوده است. مردم میهن ما با سپاسگزاری از این حمایت بین المللی خواستار گسترش هر چه بیشتر اعتراض و مبارزه احزاب، سازمانها و نهادهای مرفقی بین المللی علیه رژیم ترور و خفقان و در راه آزادی زندانیان سیاسی ایرانند. پلنوم کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، از شما مردم آزاده جهان، از سازمانهای دموکراتیک بین المللی، از کلیه احزاب و سازمانهای مرفقی، از کمیسیون حقوق بشر، سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین المللی دعوت می کند همچنان حمایت خود را از مبارزات مردم میهن ما در راه تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی گسترش دهند.

گسترده باد همبستگی بین المللی با مبارزات مردم ایران در راه تامین آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی ایران

پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

مهرماه ۶۳

اعلام همبستگی جهانیان بازندانیان سیاسی و مبارزین انقلابی ایران

طی سال جاری بسیاری از احزاب، سازمانها، محافل، مجامع و عناصر انقلابی و دموکرات در سراسر جهان، به طرق گوناگون با مبارزات مردم ایران اعلام همبستگی کرده و نقض حقوق بشرو سرکوب و اعدام انقلابیون را در ایران محکوم نمودند. آنها با صدور بیانیه‌ها و با برپایی میتینگ‌ها و یا ارسال تلگرام و غیره به اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی در مورد زندانیان سیاسی و مبارزین انقلابی میهنمان اعتراض کردند. ما در زیر بخش کوچکی از این ابراز همبستگی نیروهای مترقی جهان با مبارزات مردم ایران را انتشار می‌دهیم:

سوئد - بیانیه جمعیت بین المللی حقوق دانان دموکرات
در مورد نقض حقوق بشر در ایران

جمعیت بین المللی حقوق دانان دموکرات، طی اجلاس در بروکسل دردی ماه سال جاری، تدارک دادگاههای غیرعلنی و فشار به اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران را محکوم کرد. در بیانیه این سازمان آمده است که: "در جمهوری اسلامی ایران تجاوزات به حقوق بشر ادامه دارد" در این بیانیه به بازداشت خودسرانه رهبران و فعالان احزاب سیاسی، به شرایطی که دادگاهها در آنها جریان می‌یابند و به رفتار غیرانسانی مقامات بازندانان اشاره شده است. جمعیت بین المللی حقوق دانان دموکرات همچنین خواستار پایان دادن به تضییقات و خشونت در ایران شد.

جمعیت بین المللی حقوق دانان دموکرات همچنین تاکید نمود که در ایران امروز دادگاهها، کاریکاتوری از دادگاه واقعی اند و مقامات ایرانی از پذیرش ناظران حقوقی برای شرکت در آنها خودداری می‌کنند.

ایتالیا - ابراز همبستگی بیش از ۸ حزب و سازمان
مترقی، سیاسی و صنفی

با اعتصاب غذا برای: اعتراض به شکنجه و اعدام و سرکوب
و اختناق در ایران

به ابتکار کمیته هماهنگی دانشجویان دموکرات ایرانی برای
اعتراض به شکنجه و اعدام، سرکوب و اختناق، از تاریخ ۲۲ ماه مسه

اعتصاب غذای ۵ روزه‌ای در شهر رم پایتخت ایتالیا، با موفقیت تمام برگزار شد. در طی این اعتصاب غذا بیش از ۸۵ حزب و سازمان متروقی، سیاسی و صنفی با اعزام نماینده به محل اعتصاب و با ارسال تلگرام حمایت خود را از اعتصاب غذای هم‌میهنان مبارز ما اعلام داشتند. که آسامی تعدادی از آنها به شرح زیر است:

حزب کمونیست ایتالیا - کنفدراسیون عمومی کارگران ایتالیا - اتحادیه کارگران ایتالیا (استان تورینو) - کنفدراسیون ایتالیایی سندیکاهای کارگری (استان تورینو) - فدراسیون کارگران فلزکار (استان پیه مونته) - فدراسیون ایتالیایی کارگران ساختمان و چوب و مصالح ساختمانی - انجمن پارتیزانهای ایتالیا (در شهرهای مهم ایتالیا) - دفتر هماهنگی زنان کنفدراسیون سراسری کارگران ایتالیا (استان توسکانا) و

آلمان غربی - شرکت کنندگان در کنفرانس ایالتی حزب "سبزها" جنایات رژیم را محکوم کردند

شرکت کنندگان در کنفرانس ایالتی حزب "سبزها" در کوبلنز آلمان غربی، تنفر عمیق خود را نسبت به اعمال وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی ابراز داشته و با امضاء کارت پستال و ارسال آن به سفارت جمهوری اسلامی در بن، خواستار آن شدند تا هر چه زودتر، شکنجه‌های غیر انسانی و اعدام زندانیان سیاسی ضداً مپریالیست در زندانهای قرون وسطایی ایران متوقف شود.

آلمان غربی -

شرکت کنندگان در جشن تابستانی حزب کمونیست آلمان غربی در شهر وپرتال، ضمن ابراز همبستگی شورانگیز با تمام نیروهای ضداً مپریالیست و میهن پرست ایران، تنفر و انزجار عمیق خود را از جنایات قرون وسطایی حکام جمهوری اسلامی در مورد زندانیان سیاسی ایران ابراز داشتند. رفیق هربرت میس، صدر حزب کمونیست آلمان بهمراه هزاران نفر از شرکت کنندگان در جشن کارت پستال اعتراض به شکنجه‌ها و اعدام‌های وحشیانه در ایران را امضا نمود.

کانادا - شرکت کنندگان در "فستیوال کارگر" سرکوب انقلابیون در ایران را محکوم ساختند

شرکت کنندگان در "فستیوال کارگر" که توسط حزب کمونیست کانادا در شهر تورنتو در اوت سال ۱۹۸۴ تشکیل گردیده بود، انزجار خود را نسبت به بازداشت، شکنجه و اعدام مبارزین انقلابی ایران ابراز داشتند.

هندوستان -

احزاب و سازمانهای ترقیخواه هند در پونا
سرکوبگری جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

در تاریخ ۲۵ سپتامبر احزاب و سازمانهای ترقیخواه هند در پونا
(به شرح زیر) با صدور قطعنامه‌ای درباره زندانیان سیاسی ایران،
ضمن محکوم کردن جنایات رژیم در زندانها، خواهان قطع اعدام و
شکنجه زندانیان سیاسی، آزادی بدون قید و شرط آنها و حضور ناظران
بین المللی در محاکمات شدند.

- ۱ - حزب کمونیست هند - (پونا)
- ۲ - حزب کمونیست هند (مارکسیست) - پونا
- ۳ - فدراسیون دانشجویان هند - (پونا)
- ۴ - کنگره اتحادیه‌های سراسری کارگران هند - (پونا)
- ۵ - مرکز اتحادیه‌های هند - (پونا)
- ۶ - فدراسیون سراسری دانشجویان هند - (پونا)

آلمان غربی - ابراز همبستگی با جوانان، دانشجویان، هنرمندان
و نویسندگان انقلابی ایران

کنگره "اتحادیه سوسیالیستی دانشجویان" آلمان فدرال با
صدور دو قطعنامه حمایت خود را از جوانان و دانشجویان انقلابی ایران
و هنرمندان و نویسندگان ترقیخواه اعلام نمود و به شکنجه و کشتار و
زندان آنان اعتراض کرد.

هندوستان - اعلام حمایت و پشتیبانی از زندانیان سیاسی
ایران در هندوستان

روز ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۸۴ با فراخوان هواداران سازمان میتینگ
دفاع از زندانیان سیاسی ایران در شهر بارودا واقع در ایالت گجرات
هندوستان برگزار شد. نمایندگان پانزده حزب و سازمان اجتماعی
شرکت کننده در این میتینگ طی سخنانی همبستگی احزاب و سازمانهای
خود با مبارزات مردم ایران بیان نموده و با تأیید قطعنامه کردهمایی
حمایت خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام داشتند.

هندوستان - تشکیل کمیته دفاع از زندانیان سیاسی
ایران در هندوستان

در هشتم اوت سال ۱۹۸۴ اولین جلسه اعضای کمیته دفاع از زندانیان
سیاسی ایران در دهلی نوب برگزار شد. این کمیته با صدور اعلامیه‌ای

موجودیت خود را اعلام داشت، در قسمتی از این اعلامیه آمده است: "رژیم مرتجع جمهوری اسلامی ایران کلیه حقوق سیاسی، قضایی و زیستی زندانیان سیاسی را بی شرمانه پایمال کرده و مرتکب جنایات دردآور بسیاری علیه زندانیان سیاسی شده است. این جنایتها یا دآورشیه‌های ساواک و رژیم منفور شاه می باشد، در چنین شرایطی بسیج برای احقاق حقوق انسانی و طبیعی زندانیان سیاسی، از اهمیت بسیار برخوردار است. ما همه نیروهای آگاه و مبارزان را می خوانیم مبارزه متحد خود را علیه سیاستهای سرکوبگرانه موجود در ایران ... گسترش دهند."

تعدادی از شرکت کنندگان در این جلسه عبارت بودند از:

- ۱ - دبیر ایالت دهلی حزب کمونیست هند
- ۲ - دبیر ایالت دهلی حزب کمونیست هند (مارکسیست)
- ۳ - شانکار لعل کوپتا از حزب "جانواری"
- ۴ - مسئول سازمان جوانان کنگره هند
- ۵ - دبیر کل کنگره هند
- ۶ - جوتیندر شرما، رئیس انجمن وکلای دیوان عالی هندوستان
- ۷ - نمایندگان هواداران سازمان در هندوستان
- ۸ - نماینده هواداران حزب توده ایران در هندوستان

ایتالیا -

در تاریخ سیام اوت ۱۹۸۴ بیش از ۵ هزار نفر از شرکت کنندگان در جشن مطبوعاتی حزب کمونیست ایتالیا با امضاء طوماری پشتیبانی خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام داشتند.

فرانسه -
 ابراز تنفر کمونیستهای فرانسه به اختناق
 و سرکوب در ایسرا

تعداد کثیری از کمونیستهای فرانسوی شرکت کننده در جشن مطبوعاتی حزب کمونیست فرانسه در ماه نوامبر سال ۱۹۸۴ در شهر ماری با امضاء کارت پستالهایی نسبت به اختناق و سرکوب در ایران اعتراض کردند و همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران بویژه زندانیان سیاسی میهنمان اعلام داشتند.

هندوستان -

روزی ام اکتبر سال ۱۹۸۴، گردهمایی پرشوری در شهر چندیگر - هندوستان در دفاع از زندانیان سیاسی ایران و محکوم ساختن سیاستهای سرکوب و ترور و اختناق در ایران برپا گردید، در این

گردهمایی نمایندگان ۱۰ حزب و سازمان اجتماعی شرکت کردند.

- جی پور - در اجلاس شورای عمومی " مرکز اتحادیه های کارگری هند " در شهر " جی پور " با صدور قطعنامه ای سرکوب فعالین سیاسی در ایران محکوم گردید. شرکت کنندگان همچنین اعلام داشتند که " ما خواهان آزادی فوری فعالین حزب توده ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و دیگر نیروهای انقلابی هستیم " .

بنگلادش -

کنفرانس اتحادیه دانشجویان

بنگلادش سرکوب و اختناق و اختناق قدر ایران را محکوم کرد

هیجدهمین کنفرانس اتحادیه دانشجویان بنگلادش که در اکتبر سال ۱۹۸۴ در داکا تشکیل گردید، طی صدور قطعنامه ای اعلام داشت: " ما شرکت کنندگان در اتحادیه دانشجویان بنگلادش ... اقدامات ضد دموکراتیک رژیم حاکم بر ایران و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی بویژه اعضای حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را محکوم می کنیم ... " .

www.iran-archive.com

"رژیم با دست زدن به این جنایات خشم و نفرت مردم ایران و همه بشریت مترقی را برانگیخته است. مبارزه علیه ترور و اختناق که بر مردم ما تحمیل میشود، در کشور و در دنیا در حال گسترش است. استقرار دموکراسی در کشور، هدف مشترک و مقدم مبارزه همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است."

"حکام جمهوری اسلامی همچنان به سرکوب خونین نیروهای مترقی کشور و پایمال کردن همه حقوق و آزادیهای دموکراتیک فردی و اجتماعی مردم، به شکنجه و کشتار بی سابقه و گروهی زندانیان سیاسی ایران و جوانان آزاده کشور و به تجاوز گستاخانه به حریم زندگی خصوصی مردم ادامه میدهند."